

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۴۰، چهارشنبه اول آبان ۱۳۹۲ (۲۳ اکتبر ۲۰۱۳)

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر یویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- * دو راهی ناگزیر در مقابل ولی فقیه - مهدی سامع...ص ۲
- * جناح میانه حکومت در تنگنا - منصور امان...ص ۴
- * چه کسی مسئول فاجعه غم انگیز اقتصاد است - زینت میرهاشمی...ص ۷
- * سه رویداد، سه دیدگاه و یک گزارش از یونان - لیلا جدیدی...ص ۹
- * مجازات اعدام در خدمت امنیت نظام - شهره صابری...ص ۱۵
- * چالشهای معلمان در مهر ماه - فرنگیس بایقره...ص ۱۸
- * برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۲ - زینت میرهاشمی...ص ۲۱
- * نوزایش جنبش چپ دانشجویی در ایران - مجید شمس...ص ۲۷
- * رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۳۱
- * اجلاس دو روزه شورای ملی مقاومت ایران...ص ۳۵
- * «کاشفان شوکران»/به یاد: ۵۲ شهید قهرمان مجاهد خلق - م. وحیدی...ص ۳۸
- * فراسوی خبرها...ص ۴۰
- * شهدای فدایی آبان ماه...ص ۴۶

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»



دو راهی ناگزیر در مقابل ولی فقیه

مهدی سامع

روز جمعه ۲۶ مهر محمد جواد ظریف گزارشهای مربوط به مذاکرات با ۶ کشور را «خیالی» و همه آن چه «دبکا» و «المنانیتور» منتشر کردند را «حدس و گمان» دانست که «هیچ کدام ارتباطی به طرح و بحثهای جلسه» نداشته است. ظریف در فیس بوک خود نوشت: «توافق کردیم که بحثها محرمانه بماند... لذا جزئیات مذاکره را با کسب اجازه از محضر شریف مردم، محرمانه نگاه می داریم».

وزیر امور خارجه رژیم که جزئیات مذاکره را از «محضر شریف مردم» پنهان می کند، در مورد کلیات مذاکرات ژنو هم حرفی نمی زند. در حالی که کلیات و جزئیات این مذاکرات با حضور ۳ کشور اروپایی و کشورهای آمریکا، روسیه و چین صورت گرفته و خانم کاترین اشتون به نمایندگی از طرف ۲۸ کشور اتحادیه اروپا به طور دقیق در جریان مذاکرات بوده و می توان یقین پیدا کرد که اسرائیل و برخی کشورهای خاورمیانه هم از محتوای اصلی مذاکرات با خبر شده و بنابراین محتوای مذاکرات و به ویژه طرح پیشنهادی رژیم فقط برای «محضر شریف مردم» پنهانی مانده است. مهمترین مواردی که سایتهای «دبکا» و «المنانیتور» از مذاکرات ژنو منتشر کردند را عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه و مسئول تیم مذاکره کننده رژیم هم به شکلی بیان می کند. عراقچی در روز دوم مذاکرات (چهارشنبه ۲۴ مهر) گفت: «کاهش سطح غنی سازی اورانیوم و پذیرش پروتکل الحاقی به معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی، بخشی از "گام پایانی" در پیشنهاد [رژیم] ایران است». (بی بی سی)

آن چه مسلم است نمایندگان رژیم در مذاکرات دو روزه در ژنو به دنبال مدیریت جهانی و احمدی نژادی کردن جهان نبوده و مساله اصلی آنها این بوده که با کدام خُده و فریب دیپلماتیک بتوانند راهی برای شل کردن تحریمها پیدا کنند.

در روز اول مذاکرات محمد جواد ظریف طرحی با عنوان «پایانی بر یک بحران غیرضروری، آغازی بر افقهای تازه» به نمایندگان ۶ کشور طرف مذاکره ارائه داد و پس از دو روز مذاکره که برای یک قطره پیروزی یک دریا «تدبیر» در نظر گرفته شده بود، اعلام شد که دور بعدی مذاکرات در روزهای ۱۶ و ۱۷ آبان برگزار خواهد شد. تا آنجا که به ۶ کشور طرف مذاکره با رژیم بر می گردد آنها از هیچ کوششی برای به ثمر رسیدن مذاکرات دریغ نکردند. خانم اشتون همچون گذشته در پوشش خود رعایتهای لازم را در نظر گرفته بود و در محل مذاکره نیز از آن جا که امکان پوشاندن لباس مناسب برای مجسمه یک مرد برهنه وجود نداشت، پرده ای در مقابل آن کشیدند و ایرانیان رند و تیز هوش در فضای مجازی در مقابل این سانسور مضحک نوشتند؛ فیلترینگ ایرانی به ژنو رسید.

خانم اشتون صدور بیانیه مشترک را یک پیروزی و مسیری به جلو اعلام کرد. فراموش نکرده ایم که همین خانم اشتون در ۱۸ ماه پیش در روز شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ (۱۴ آوریل ۲۰۱۲) در پایان مذاکرات استانبول که سعید جلیلی سرپرست هیات رژیم بود گفت: «این مذاکرات مفید و سازنده بود. اکنون به جهتی متمایل شده ایم که بتوانیم گفت و گوهای سازنده و موثری داشته باشیم... انتظار می رود که این نشستها بتواند به نتایج ملموسی برسد تا اعتماد جامعه جهانی به صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران تامین شود».

در همان روز سعید جلیلی پس از پایان مذاکرات ۱۱ ساعته، راهبرد پایه ای رویداد شنبه ۲۶ فروردین را «گفت و گو و همکاری» دانست و نتیجه گرفت که مذاکرات «توانست موفق باشد و رو به جلو باشد».

بدیهی است که نتیجه بخش بودن مذاکرات برای کشورهای مذاکره کننده با رژیم بسیار اهمیت دارد. اما این اهمیت قابل مقایسه با نیاز رژیم برای خلاصی از تحریمها نیست. راهبرد تیم مذاکره کننده آن چنان که حسن روحانی و محمد جواد

ظریف اعلام کرده اند، دستیابی به نتیجه «بُرد_بُرد» است. رژیم و به خصوص باند حسن روحانی می خواهد از درگیر شدن «در یک بازی با حاصل جمع صفر» خودداری کند.

این راهبرد البته تازگی ندارد. من در نبرد خلق شماره ۳۲۲، (۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) پس از مذاکرات استانبول در مقاله ای تحت عنوان «در مساله اتمی نتیجه بُرد_بُرد بی معنی است» این راهبرد را تجزیه و تحلیل کرده و در مورد حالتهای مختلف برای نتیجه مذاکرات نوشتم: «حالت اول این است که خامنه ای خطر تحریمها را جدی گرفته و بنابراین تصمیم بر آن دارد که فعلاً از ادامه پروژه دستیابی به سلاح اتمی منصرف شده و بنابراین گام به گام و با گرفتن امتیازاتی به شفاف سازی وضع موجود مبادرت کند. این حالت علیرغم هر امتیازی که جمهوری اسلامی دریافت کند، یک باخت برای رژیم و یک بُرد کلان برای مردم ایران است.

حالت دوم این است که مذاکرات استانبول و در ادامه آن مذاکرات در بغداد جزیی از موش و گربه بازی خامنه ای برای خرید وقت و گُند کردن پروسه تحریمها و در نتیجه رسیدن به نقطه مطلوب باشد. این نقطه مطلوب می تواند دستیابی کامل به سلاح اتمی و مذاکره از موضع قدرت و یا تدارک کامل برای ساختن سلاح اتمی بدون آن که تصمیم سیاسی برای مرحله نهایی آن اتخاذ شود، باشد. در چنین وضعیتی پروژه اتمی رژیم همچون چماقی بالای سر همه جهان خواهد بود که البته رژیم کوشش خواهد کرد تا از مرز تحمل قدرتهای غربی عبور نکند. در واکنش به چنین وضعیتی کشورهای غربی یا به فشار بر رژیم ایران ادامه می دهند و یا این که سرانجام ولایت خامنه ای را در باشگاه اتمی می پذیرند. بدیهی است که این حالت به زیان مردم ایران و به سود خامنه ای و همه کسانی که از جنگ و توسعه بحران اتمی بهره برداری می کنند خواهد بود.

واقعیت این است که پروژه اتمی رژیم ایران به طور کامل در تقابل با منافع آبی و آبی مردم ایران و مردم سراسر جهان قرار دارد. منافع کشور و مردم ایران ایجاب می کند که خامنه ای با فشار مداوم جامعه جهانی، بدون استفاده از حربه جنگ، مجبور به عقب نشینی شود. در این عقب نشینی خامنه ای هر امتیاز متصور می شود که از جانب غرب دریافت کند، نمی تواند زیانهای ناشی از نوشیدن جام زهر را جبران کند و مردم ایران علیرغم خسارهای احتمالی و منجمله به حاشیه رفتن نقض حقوق بشر در ایران، که البته اکنون هم در حد انتظار نیست، سود خواهند برد.»

به گمان من امروز هم خامنه ای در مقابل همین دو راهی قرار دارد و البته با شکست در شعبده بازی انتخابات موقعیت خامنه ای بسیار ضعیف تر از ۱۸ ماه قبل است. کارتهای خامنه ای برای رسیدن به هدف محدود است. خامنه ای به طور عمده بر سپاه تروریستی قدس می بالد. این مهمترین کارت ولی فقیه در همه مناسبات جهانی و منطقه ای است. کارت دوم برای مقام معظم وجود ۷ تن اورانیوم کمتر از ۵ درصد غنی شده و حدود ۱۸۰ کیلو اورانیوم در حد ۲۰ درصد غنی شده است.

ولی فقیه فقط این دو کارت را برای مانور و اعمال قدرت در سطح جهانی و منطقه ای دارد و دیگر چیزی در چنته برای قدرت نمایی ندارد. مردم به شدت ناراضی و خشمگین و در کمین فرصت، شکاف در درون هر م قدرت هر روز گسترده تر می شود و بالاخره فرصتهای منطقه ای مقام معظم در مسیر نزولی قرار گرفته است. حرفهای حسن روحانی یک روز قبل از شروع مذاکرات که گفت: «دولت با یک خزانه خالی و انبوه بدهکاری روبه رو است»، و سخنرانی رفسنجانی در روز مذاکرات در کرمانشاه بیان همین وضعیت است. روزنامه رسالت در شماره روز سه شنبه ۲۳ مهر در نقد حرفهای روحانی در مقاله ای با عنوان «مشتی که در شب مذاکره خالی شد» نوشت: «بر اساس کدامیک از اصول مسلم تامین منافع ملی باید به طرف غربی تفهیم کرد که تحریمها اثر گذار بوده است». بدیهی است اگر روحانی هم چنین حقیقتی را بر زبان نمی آورد، با هزاران نشانه می توان اثر گذار بودن تحریمها را نتیجه گرفت. از حرفهای رفسنجانی در روز سه شنبه ۲۳ مهر در کرمانشاه هم همین را می توان فهمید. رفسنجانی می گوید: «بهبود روابط خارجی باعث کاهش مشکلات اقتصادی خواهد شد... اینها به شرطی است که افراطیها بگذارند که ما با دنیا ارتباط داشته باشیم، اجازه بدهند ارتباط ما با جاهای که امکانش هست برقرار بشود که تا این اتفاق نیفتد ما به جایی نخواهیم رسید... در انرژی هسته ای می توانیم به گونه ای

عمل کنیم که به اهداف صلح آمیز و دستاوردهای آن برسیم و از آن استفاده کنیم. انرژی هسته ای باید به ما امنیت هم بدهد... در دیداری هم که با رهبر معظم انقلاب داشتیم خود آقا هم صراحتاً مشکل دنیای اسلام را افراطیها عنوان کردند... اگر افغانستان نمی تواند سربلند کند به خاطر همین افراطی گریهاست، اگر انقلاب مصر به اینجا رسید به خاطر یک مشت افراطی بود که کار به اینجا رسید. در عراق و سوریه هم همین وضعیت است، در لیبی که انقلاب آن آسان پیروز شد، اما به خاطر افراطیهایی که هستند وضع را به حال اول برگرداند».

این گونه با استناد به مقام معظم به وی طعنه زدن فقط از عهده رفسنجانی بر می آید. وقتی او می گوید؛ انرژی هسته ای باید به ما امنیت هم بدهد، به موقعیتی که می تواند به عدم امنیت منجر شود اشاره می کند. کلمه «هم» در این جمله به وضعیتی اشاره دارد که می تواند وجود نداشته باشد.

این حرفها و البته اقداماتی که پس از بازگشت روحانی از نیویورک صورت گرفت و حرفهایی که منجر به کمر درد ظریف شد، بیش از هر چیز موقعیت لرزان خامنه ای را نشان می دهد. ولی فقیه با پاهای لرزان نمی تواند برای ترمیم اقتدار خود، صدهای ناهنجار درونی را خفه کند. در این دو راهی برای خامنه ای چشم انداز مطلوب متصور نیست.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.co

جناح میانه حکومت در تنگنا

منصور امان

آنگونه که می نماید، استراتژی باند رفسنجانی - روحانی برای پیشروی به سمت کسب قدرت بیشتر از مسیر عقب نشینی در خارج و سازش در داخل با نخستین مانع جدی برخوردار شده باشد. پرتاب یک لنگه کفش از "پایین" و در پی آن، افکنده شدن نهیب "نابجا" از "بالا"، به آنها مرزهای راهکارشان را نشان داد.

دیپلماسی لنگه کفش

صف آرای همه جانبه باند ولی فقیه در برابر اولین تحرکات سیاسی حجت الاسلام روحانی، نه تصادفی و نه دور از انتظار بود. برای آقای خامنه ای بهترین نقشی که جانشینان آقای احمدی نژاد می توانند ایفا کنند، امربری هر چند ناخشنودانه همچون حجت الاسلام خاتمی در هر دو دوره ریاست جمهوری اش است. این مدل، ابتکارات مستقلی از جنس آنکه رییس دولت جدید در نیویورک به خرج داد را بر نمی تابد. تلاش برای گشودن درب نزدیکی به آمریکا و به صدا درآوردن آهسته ی کوبه ی آن، از مرز آنچه که آقای خامنه ای و شرکا برای "نرمش قهرمانانه" ترسیم کرده بودند، فراتر می رفت.

هنوز به درستی روشن نیست آقای روحانی بر چه مبنای کلی یا به پشتوانه کدام وعده مشخص آقای خامنه ای به این توهم که اختیار هدایت پرونده هسته ای را دارد، دامن می زد. او در نیویورک، زمان کوتاهی پیش از مکالمه مناقشه برانگیز با آقای اوباما تکرار کرد: "رهبر معظم ایران به دولت من اجازه داده است تا آزادانه در باره موضوعات مذاکره کنم."

در هر حال، استقبالی که از او در فرودگاه به عمل آمد، می بایست پایه های این ارزیابی را به لرزه درآورده باشد. تجمع ماموران بدون اونیفورم مشهور به "لباس شخصی" که به گونه نمادین به لنگه کفش مجهز شده بودند، یک علامت روشن

از مخالفت "رهبر معظم" با تماسهای دیپلماتیک آقای روحانی و گروه همراه او با مقامهای آمریکا و تیر شروع صف آراییی باند ولی فقیه علیه دولت بود.

پس از انتقادات تند و حمله های لفظی رده های میانی و سیاهی لشکرهای این باند، نوبت به صحنه گردانان اصلی رسید که نه فقط با قرار گرفتن پشت تریبون علنی به اهمیت این جبهه گیری اشاره کرده و کارزار را به جلو ببرند، بلکه سرچشمه گرفتن مناقشه از راس هرم و مرزبندی لایه بالایی قدرت با دیپلماسی دولت آقای روحانی را به نمایش عمومی بگذارند.

در این راستا نخست آقای محمد علی جعفری، سرکرده سپاه پاسداران، پا به میدان گذاشت تا گفتگوی تلفنی حجت الاسلام روحانی با آقای اوباما را زیر عنوان "اشتباه تاکتیکی" نقد کرده و به او هشدار دهد که آن را "تصحیح و جبران" کند. سپس رییس او، آقای علی خامنه ای بلندگو به دست گرفت تا به گونه کم پیشینه ای با عملکرد دولت در پهنه خارجی به صورت علنی به مخالفت برخیزد. او تماس با پایوران آمریکایی را "پیشامدهای نابجا" نامید و خط کشید: "ما دولت آمریکا را غیرقابل اعتماد، خودبرتر بین، غیرمنطقی و عهدشکن می دانیم."

یک ناهمگونی بنیادی

سُخنان تحقیرکننده آقای خامنه ای که بازتاب بین المللی گسترده ای نیز یافت، یک ضربه سخت به استراتژی باند رقیب بود و آن را نه فقط در برابر طرفهای خارجی ضعیف و بی پشتوانه نشان می داد، بلکه یک گام پُر سروصدا برای بازسازی قدرتی به حساب می آمد که باند ولی فقیه با از دست دادن اهرم ریاست جمهوری و بازگشت رقبای اخراج شده ناچار به اشتراک گذاری آن شده بود.

هجوم غافلگیرانه "رهبر" و همدستانش، باند رفسنجانی - روحانی را در برابر یک بُن بست جدی قرار داده است. استراتژی مرحله ای آنها که نخست کاهش تنش خارجی و فشار تحریمها زیر تابلوی "تحقق حماسه اقتصادی" را در برنامه دارد و چالش قدرت مطلقه ولی فقیه را در ردیف بعد و پس از تحقق پیش شرطهای مزبور جا داده، اینک در اولین گام با محدودیتهای خود در برابر عینیت موجود چهره به چهره شده است. هنوز آنها پشت فرمان جا نگرفته اند که موانعی که با تمام توان کوشش می کردند، دور بزنند و تا مرز امکان برخورد با آنها را به عقب بیاندازند، در برابرشان قد علم کرده و وادار به ایستادن شان کرده است. آقای خامنه ای و پاسدار جعفری ناهمگونی برنامه عمل آنها با وظایفی که برای خود تعیین کرده اند را به رُخشان کشیده اند و ناممکن بودن بی طرفی سیاسی خود در حالی که رُقا در حال کسب منافع استراتژیک هستند را یادآور شده اند.

با این وجود، چنین می نماید که باند رفسنجانی - روحانی هنوز برای خود آفق دیگری جُز حرکت در سایه "رهبر" تصور نمی کند. راهکار آنها برای چیرگی بر بُن بستی که باند ولی فقیه پروژه "رابطه با آمریکا" را به درون آن رانده بود، نمادی از این بلاتکلیفی است.

زیر حمله های شدید و پیاپی این باند به بهانه "پیشامدهای نابجا" در نیویورک، آقای اکبر رفسنجانی، "رهبر" درگذشته "نظام"، آیت الله خمینی را به یاری طلبید و موافقت وی با حذف "شعار مرگ بر آمریکا" و به عبارت دقیق تر، موافقت با عادی سازی رابطه با آمریکا را نقل قول کرد. او برای چیرگی بر معضلی که مساله روز آقای خامنه ای و دستگاه وابسته وی است، به گذشته ای متوسل گردیده که حتی اگر قوانین و نرْمهای آن با شرایط حاضر سازگاری می داشت، فقط در چارچوب منافع و مصلحتهای قدرت واقعا موجود جایی برای حضور می یافت. واکنش بی پرده حجت الاسلام طایب، یک سرکرده نظامی - امنیتی مبنی بر اینکه "هرگز امام خمینی در حد مقبولیت مقام معظم رهبری نبود"، بر پایان دوره ای نشانه گذاشته که آقای رفسنجانی هنوز مبنای سیاست گذاری می پندارد.

در حالی که یکه تازی نابخردانه "ولی مُطلقه" و همدستانش در پهنه سیاست خارجی، پاسُخگو نبودن آنها در برابر نتایج فاجعه بار آن و شانه خالی کردن از پذیرش هر گونه مسوولیت، به اندازه کافی میدان برای نقد و اثبات بی اعتباری آقای خامنه ای و شرکا در اختیار گذاشته، نبش قبر "رهبر" پیشین از سوی آقای رفسنجانی برای به چالش گرفتن سیاست خارجی "رهبر" فعلی، تنها یک علت می تواند داشته باشد: منافع پایه ای در پابرجایی و ضربه نخوردن دستگاه استبداد سیاسی - مذهبی که اصل ولایت فقیه جوهره آن را تشکیل می دهد.

جناح میانه حُکومت، خود را بر سر یک دوراهی می بیند، از یکطرف برای صُعود به قله قُدرت و تحکیم خود در این نقطه ناگزیر به تصفیه حساب با آقای خامنه ای است و از طرف دیگر خواهان ضربه خوردن جایگاه وی و بُریدن شاخه ای که خود نیز بر آن نشسته نیست. اما از آنجا که دُنیای واقعی کُنسرت آهنگهای درخواستی نیست و تفکیک دلبخواهی "مقام عُظما" از "ولایت" اش ناشدنی است، بنابراین در سیاست خود به ناهمگونی مُبتلا می شود و نقد خویش را در قوطی تنگ "مصالح نظام" جا داده و با آن سازگار می کند و همزمان برای به عُرش درآوردن این شیر بی یال و دُم و اشکم، به ابزار و وسایلی مُتوسل می شود که یکسره در حوزه قُدرت باند رقیب قرار دارد.

سرچشمه رویکرد مزبور در این واقعیت نهفته است که باند رفسنجانی - روحانی نخست، منبع مشروعیت دیگری جُز استبداد رنگ شده با دین را برای در اختیار داشتن قُدرت نمی تواند تصور کند، سپس، حاضر به دست کشیدن از موقعیت انحصاری که "نظام اسلامی" در اختیارش می گذارد نیست و سرآخر، رقابت با نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه را تهدیدی برای موجودیت خویش می پندارد.

واکنشهایی برای خالی نبودن عریضه

واکنش باند رفسنجانی - روحانی به یورش همه جانبه باند ولایت و حرکت قاطعانه آن برای خُنشی سازی تدبیرهای خارجی آنها و خرابکاری را می توان نماد همه ناتوانیها و محدودیتهای دانست که رویکرد میانه بازانه آنها با خود به همراه دارد. در حالی که باند آقای خامنه ای گروههای فشار را در خیابان، رسانه ها، مجلس و تریبونهای عُمومی به گونه سازماندهی شده وارد میدان کرده و آنها را آشکارا تغذیه فکری و سیاسی می کند، باند زیر ضرب قرار گرفته به کشف گروهبندی سیاسی جدیدی به نام "تندروها" و "افراطیون" نایل آمده و شکوه و انتقادهایش را به آدرس نامعلوم این جریان در نقشه سیاسی "نظام" ارسال می کند.

این سرویس پوشش سازی بی تردید می تواند برای "مصالح نظام" مُفید باشد، اما در سودمندی آن به حال خود سرویس دهندگان جای تردید بسیار وجود دارد. همچنانکه گله مُلایم از "ماجرای فرودگاه"، در پی خود "ماجرای کرمانشاه" را داشت و فرار از برخورد جدی با لنگه کفش پرنها و آمران آنها، راه ورود مداحان و اوباش شُهره شهر به میدان و نشستن آنها به طور رسمی در جایگاه یک طرف نزاع را هموار ساخت. در این میان، حُجت الاسلام مُحمد خاتمی نسبت به احتمال "ترور" رهبران و پایوران جناح میانه حُکومت هُشدار می دهد و همزمان، اوباش حُکومتی بدون هراس از به صدا درآمدن این زنگ خطر، برای مرگ رُقا دست به دُعا برمی دارند و به تحریک پا منبریهای خود برای برآورده شدن آن می پردازند. تنها یک نگاه گذرا به واکنش بی قیدانه دستگاه قضایی و نیروی انتظامی به تحرک "افراطیون" علیه آقای روحانی، روشن می کند که ایده حل و فصل موضوع از کانال "قانون" و آرگانهای اعمال کننده آن که زیر کُنترل آقای خامنه ای هستند، تیغ گروههای فشار را از گلوی دولت برنخواهد داشت.

آنها در برابر این موقعیت سه گزینه بیشتر ندارند، یا باید کناره گیرند و کارت خود را نسوزانند، یا برای شراکت در قُدرت باج و خراج بپردازند، به سازشهای فاسد تن دهند و پروژه های خود را با منافع "رهبر" و همدستانش تنظیم کنند و یا نیروی "فشار از پایین" را به مُداخله برانگیزند و روی موج آن امکانات خویش و ظرفیتهای قانونی که به آنها داده شده را به کار بیاندازند. طبیعی است که برای دستیابی به این هدف، آنها باید آماده پرداخت هزینه راهکار شان در شکل گشودن فضا برای "پایین" نیز باشند.

با این حال چنین نمی‌نماید که جناح دولتی در حال حاضر توانایی بیرون آمدن از بُن بستی که خود را به درون آن رانده، داشته باشد. دفاع آنها در برابر تهاجم حریف با سلاح نقل قول از آقای خمینی، نشانه وجود نقشه یا تصمیم روشنی از پس راندن واقعی آن نیست. ابتکار آقای رفسنجانی را بیش از یک واکنش خفیف و بی‌ثمر نمی‌توان ارزش گذاری کرد که تنها دلیل دست زدن به آن، وانمود به تحرک و عدم انفعال بود. این واقعیت که او و نزدیکانش حتی این سنگر نمایشی را نیز نتوانستند حفظ کنند و زیر فشار زیردستان آقای خامنه‌ای ناچار به عقب نشینی شدند، بیانگر ظرفیت نازل نقشه‌ها و ابزارهای جنگی آنها است. در آخرین عقب نشینی، حجت الاسلام روحانی، در برابر تهدیدها و رجزخوانیهای باند رقیب در مجلس دست تسلیم برافراشت و از معرفی آقای توفیقی به عنوان وزیر علوم خودداری کرد؛ حرکتی که حتی در بین نزدیکان دولت نیز با شگفتی روبرو شد، در حالی که آنها اگر نیک می‌نگریستند می‌توانستند رشته‌ای که صندلی را از زیر پای آقای توفیقی کشید تا "فرودگاه مهرآباد" تعقیب کنند.

برآمد

جبهه‌گیری باند ولایت علیه چاره‌جوییهای دیپلماتیک دولت، فقط نادرست بودن ارزیابی آنها از صحنه موجود سیاسی در "بالا" را به نمایش نگذاشت، بسا روشن‌تر از این، نقشه باند ولایت برای مدیریت رُقا را نیز آشکار ساخت. لبخند و موعظه برای کاهش تحریمها و ایجاد فضای تنفس برای خود، این ماموریتی است که قدرت حقیقی انجامش را از ساختار حقوقی انتظار دارد.

اقتصادی...

چه کسی مسئول فاجعه غم‌انگیز اقتصاد است

زینت میرهاشمی

وضعیت اقتصاد آنچه‌ان فاجعه بار شده که آه و ناله کارگزاران دولت روحانی را هم درآورده است. از آن جا که همه دست اندرکاران فعلی از دایره خودیهای حکومتی هستند به ناچار برای پاک نگاهداشتن خود از منفوریت احمدی نژاد، همه کاسه و کوزه‌ها را بر سر وی می‌شکنند. گویا کشور ایران قبل از گماشته ولی فقیه کشور گل و بلبل بوده و بحران اقتصادی پدیده ۸ سال دولت احمدی نژاد است.

واقعیت این است که احمدی نژاد محصول سیاست یکدست سازی ولی فقیه و میدان دادن به پاسداران و امنیت‌یها برای تسلط بر شریانهای اقتصادی است. احمدی نژاد گماشته ولی فقیه برای اجرایی کردن سیاستهای ولی فقیه بود. آمارهای مربوط به تعطیلی بیش از دو سوم واحدهای تولیدی با قدمت بیش از ۵۰ سال فعالیت، خصوصی سازی به سبک ایجاد شبکه‌های اقتصاد شبه دولتی، گسترش اقتصاد رانتی و سپردن املاک دولتی به آقازاده‌ها با قیمت‌های بسیار پایین فقط به دوران احمدی نژاد مربوط نمی‌شود.

بیژن زنگنه وزیر نفت روحانی روز شنبه ۲۷ مهر، در رابطه با شرکتهای تابع بخش انرژی گفت: «مشکلاتی که در این چند ساله برای صنعت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران پیش آمده داستان غم‌انگیز و فاجعه آمیزی است».

طرح هدفمندی یارانه‌ها و یا حذف یارانه‌ها از کالای حامل‌های انرژی به عنوان یک جراحی بزرگ اقتصادی توسط احمدی نژاد با حمایت کامل ولی فقیه به اجرا درآمد. حذف سوبسیدها به عنوان یک منبع درآمد برای دولت تبدیل به یکی از چالشهای دولت احمدی نژاد و مجلس رژیم شد. ولی فقیه تمام قد از سیاستهای اقتصادی احمدی نژاد دفاع کرد. اکنون

پرده هایی از دزدیهایی که احمدی نژاد انجام داده است توسط جانشینان وی افشا می شود. تولید کننده داستان غم انگیز و فاجعه آمیز مورد نظر زنگنه، ولی فقیه و همه باندهای حکومتی هستند که در حفظ این رژیم منافع مشترک دارند. خبرگزاری تسنیم از قول زنگنه روایتگر داستان غم انگیز می نویسد: «یک عده آدم که فهم عمیقی از این حوزه نداشتند، به خاطر اجرای اهدافی، دستگاههای بزرگ بخش انرژی کشور را به آستانه نابودی کامل رساندند، کار این افراد مثل کسی است که سوار بر یک آمبولانس برای رساندن مریض به مقصد در راه صدها نفر را زیر گرفته و کشته و هزاران دست و پا را شکسته است».

پرداخت یارانه ها یکی از مشکلات دولت حسن روحانی شده است. در پی حذف سوبسیدها، قیمت کالاها در مدت کوتاهی به طور سرسام آور بالا رفت. رژیم برای جلوگیری از یک شورش اجتماعی سر مردم را به پرداخت یارانه گرم کرد. پرداخت یارانه در عمل در برابر رقم بالا رفتن قیمتها همخوانی نداشت. از سویی دیگر از آن جایی که این برنامه ریزی بر درآمد نفت برنامه ریزی شده بود نمی توان به آن به عنوان راهبردی پایدار نگریست. کارگران و مزدبگیران در برابر این سیاست گدا پروری اعتراض کرده و خواهان دستمزد واقعی خود بوده و هستند. حتی پرداخت یارانه در ناهمخوانی دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار با نرخ تورم و سبب هزینه خانوار کارگری تاثیرگذار بود.

با بالا رفتن قیمتها و نیز پایین آمدن ارزش ریال، قدرت خرید مردم کاهش چشمگیر یافت. در یک ماه اخیر ارزش ریال اندکی بالا رفت اما قیمت کالاها نه تنها هیچ تغییری نکرد بلکه همچنان سیر صعودی دارد. اکنون که قیمت کالاها برگشت ناپذیر است از محدود کردن یارانه ها صحبت می شود. حتی قطع یارانه ها با توجه به کسری بودجه مورد مشاجره است.

نوبخت سخنگوی دولت روحانی افزایش قیمتها را نوید داده است. وی کسری بودجه ۷۰ هزار میلیارد تومانی دولت برای پرداخت یارانه ها را تنها با افزایش قیمتها ممکن دانسته است.

حذف سه دهک بالای جامعه از دریافت یارانه نقدی به تصویب کمیسیون بودجه مجلس رسید. حال می توان تصور کرد که در دیکتاتوری فاسد جمهوری اسلامی چگونه این دهکها و یا افراد کم درآمد شناخته می شوند. به طور طبیعی نورچشمیها و خودیها و سیاه لشکر ها راههای آن را خوب می دانند.

گرفتن یارانه توسط مجلس نشینان بخشی از فساد حکومتگران است. عضو هیات رئیسه کمیسیون اقتصادی مجلس گفت که «بیش از دو سوم نمایندگان یارانه می گیرند».

عضو هیات رئیسه کمیسیون اقتصادی مجلس در رابطه با پرداخت یارانه ها به عنوان چالش حوزه اقتصادی مدعی شد: «همه در یک کشتی نشسته ایم و اگر مشکلی در کشور ایجاد شود همه آسیب می بینیم». اگر منظور این کارگزار حکومت از «همه» عوامل ریز و درشت حکومت است، بدیهی است که بحران اقتصادی در مرحله اول به آنان سرایت نمی کند و دامنگیر کارگران و زحمتکشان می شود. میلیونها کارگری که با حقوق یک سوم خط فقر دچار ستم طبقاتی هستند در کشتی چپاولگران حکومتی نیستند. بی عدالتی در پرداخت دستمزد، تاخیر در پرداخت دستمزد، ناامنی و بیکاری، ستم معیشتی، فقر و تنگدستی بر میلیونها مردم ایران تحمیل می شود. ساختار این حکومت فاسد مانع هر گونه توسعه و رشد اقتصادی است. فاجعه اقتصادی و معیشتی کنونی پدیده نیست که روحانی و دارو دسته اش توان حل آن را داشته باشند. بر همین منظر گام نهادن به سوی توسعه اقتصادی باید رژیم را به عنوان مانع براندازد.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

سه رویداد، سه دیدگاه و یک گزارش از یونان

لیلا جدیدی

در این نوشته می خوانید:

- یونان و مبارزه علیه فاشیسم
- آمریکای لاتین، یکپارچه معترض
- آیا امپریالیسم آمریکا تضعیف شده است؟

یونان و مبارزه علیه فاشیسم

کشور یونان که زمانی بزرگترین قدرت اقتصادی در میان کشورهای بالکان بود، پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، پس از دو کشور رومانی و بلغارستان، به فقیرترین کشور از ۲۷ عضو اتحادیه اروپا تبدیل شد. در واقع بحران اقتصادی سبب ظهور یک لایه جدید اجتماعی که "فقرای نوظهور" نام گرفته اند، شده است. این لایه اجتماعی را عموماً طبقه متوسط سابق تشکیل می دهد. تنها کافیسیت در خیابانهای آتن راه رویم و هر جا که باشیم، شاهد فقر، بیکاری، گرسنگی، بی خانمانی شویم. این در حالیست که آثار کار و زیست اشرافی ثروتمندان و سرمایه داران و ساختمانهای نو و تازه که تعداد آنان هم زیاد نیست، به وضوح به چشم خورده و برجسته می شود. آتن آنقدر غمزده، مخروبه و متروک به نظر می رسد که وقتی



جدیدترین آمار خودکشیها را ببینیم، حیرت زده نخواهیم شد. با این حال، هر جا که پا بگذاریم، آثار یک جنبش اعتراضی زنده به ویژه علیه فاشیسم به چشم می خورد. حتی وقتی تظاهرات و تجمعات اعتراضی نباشد، هر شب در میدان "سینتگما" علیه سرکوب خشن دولتی تاتر خیابانی برگزار می شود و شهروندان، به ویژه جوانان با علاقه روی زمین می نشینند و تماشا می کنند.

روز ۲۸ سپتامبر، پلیس یونان، "نیکوس میهالولیاکوس"، رهبر حزب فاشیست موسوم به "فجر طلایی" را به جرم تشکیل یک سازمان تبهکاری بازداشت کرد. پلیس این کشور اعلام کرد که دستور بازداشت تعداد دیگری از اعضای این حزب نیز صادر شده است. این بازداشتها به دنبال اعتراضات نسبت به قتل یک هنرمند و خواننده چپ و ضد نژادپرستی با نام "پاولوس فیساس" به دست یکی از طرفداران "فجر طلایی" صورت گرفت.

در این نوشتار به شرحی از مبارزات ضد فاشیستی و ضد نژادپرستی در یونان و ذکر یک دیدگاه در باره چگونگی ادامه

این مبارزه و سازماندهی آن برای دستیابی به نتایج عملی و محسوس می پردازم.

دستگیری نیکوس میهالولیاکوس و دیگر رهبران حزب "فجر طلایی"، حزب نو - نازی که دارای ۱۸ عضو در پارلمان است و ۷ درصد آرا را در آخرین انتخابات به دست آورد، نتیجه مقاومت سیاسی و اجتماعی فعالان و توده مردم به ستوه آمده

است. این اقدام دولت "آنتونیس ساماراس"، رهبر حزب محافظه کار "دموکراسی نوین" علیه "فجر طلایی" تنها برای کنترل و جلوگیری از به پا شدن اعتراضهای گسترده پس از قتل هنرمند محبوب و ضد نژادپرست مردم، پالوس فیساس بود. تنها یک ساعت بعد از قتل وی که با ضربه چاقوی یکی از کادرهای فاشیستها صورت گرفت، دهها هزار تن علیه این حزب و رهبران آن به خیابانها ریختند.

اقدام دولت یونان ناشی از تجارب هراسناک آن از جنبش سال ۲۰۰۸ بود که پس از کشته شدن یک پسر نوجوان ۱۵ ساله توسط پلیس شکل گرفت و به هیچ وجه نشانه دشمنی دولت و حزب وی با فاشیستها به حساب نمی آید.



دولت حاکم با وجود اعتراضهای گسترده مردم، تاکنون سخت ترین شکل ریاضت اقتصادی را به آنها تحمیل کرده، جنبشهای اجتماعی را سرکوب و از سوی دیگر به عمده نژاد پرستی علیه پناهندگان را رواج داده است. همچنین، این دولت در برابر اوج گیری محبوبیت چپ رادیکال قرار دارد که بزرگترین تشکل آن، "سیریزا"، پتانسیل برنده شدن در انتخاب بعدی را دارد. ساماراس

این حزب را "چپ افراطی" می خواند و می گوید آنها مانند راست افراطی خطرناک هستند و لقب "دوقلوهای افراطی" به آنها داده است.

"کوبن اووندن"، تحلیل گر "جبهه ملی اتحاد علیه فاشیسم" در بریتانیا در باره چالشهای چپ یونان در برابر تهدید فاشیسم، دیدگاه قابل توجهی ارائه داده و راهکارهایی را برشمرده است.

وی معتقد است مبارزه علیه فاشیسم در سطح دولتی نباید باقی بماند زیرا در این صورت این خطر وجود دارد که حزب فاشیست همواره خود را به عنوان اپوزیسیون دولت بازسازی کرده و قدرت را به دست گیرد. از این رو باید ۶ مورد زیر مورد نظر قرار گرفته شود:

۱- فاشیسم یک تهدید واقعی و متمایز است و از این رو واکنشی وسیع و متمایز و در عین حال سستیزه گرایانه را ایجاب می کند.

ائتلاف ضد فاشیستی و ضد نژاد پرستی KEERFA پیش از آنکه سال گذشته "فجر طلایی" وارد پارلمان شود، تشکیل و به سرعت رشد کرد. استدلال آنها این بود که اگر چه نازیها از سیاست حاکم خارج شده اند، اما مبارزه با فاشیسم باید ادامه یابد و نباید تنها متمرکز روی علل ظهور این پدیده شد. (اشاره به حزب سیریزا که معتقد به تلاش برای ریشه کن کردن این ایده است و نه رویارویی رادیکال).

راست افراطی و فاشیسم صرفاً حاصل بحران سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه نیرویی به خودی خود موجود است و نیرو و هدف خودش را دارد. اگر به آن فضای سیاسی و فیزیکی برای رشد داده شود، نتیجه آن ترورهای خیابانی آنچنان که می بینیم خواهد بود و از سوی دیگر، رادیکالیزه شدن دستگاه دولتی و به طور کلی سیاستهای راست را به دنبال خواهد داشت. فاشیستها یک نیروی سیاسی عادی نیستند، بلکه از آنجا که از سلاح ترور و خشونت استفاده می کنند، مبارزه علیه آنان باید مقابله به مثل باشد. برای این امر باید سازماندهی گسترده کرد و اتحاد نیروهای چپ، جنبشهای اتحادیه ای و مهاجران ضروری است

۲- مبارزه علیه فاشیسم با مبارزه علیه ضد نژاد پرستی پیوند دارد

وقتی در رسانه های اروپایی صدای "فجر طلایی" در باره رساندن مواد غذایی و ایجاد بانک خون فقط برای یونانیهای بازتاب یافت، نژاد پرستی هم نهادینه شد. دولت می گفت تحت فشار مهاجران است و کادرهای "فجر طلایی" خودشان را برای راندن مهاجران از محلهای زندگی شان آماده می کردند. از این رو، این استراتژی که معتقد است چپ از طریق

رساندن خدمات اجتماعی و درمانی به مهاجران می تواند با "فجر طلایی" مبارزه کند، اشتباه بود. نژادپرستها به شکل خشونت آمیزی به مهاجران حمله می کردند و مهاجران نیز ناچار شدند کنترل را به دست خود گیرند.

۳- فاشیسم با دولت رشد کرد نه علیه دولت

این واقعاً شوکه کننده ولی نه غیر قابل انتظار بود که عده ای و حتی نیمی از پلیس آتن در انتخابات سال گذشته به فاشیستها رای دادند، آنها با وجود همه شعارهای ضد کاپیتالیستی و رادیکال چپها. به طور تاریخی تشکلهای فاشیستی تا کنون قدرت را تنها تحت حمایت طبقه سرمایه دار و دولتهای برخاسته و متحد با آنان به دست آورده اند، مانند موسولینی، هیتلر و احزاب کلاسیک فاشیستی. رشد فاشیسم نشاندهنده رشد و قدرت و رادیکالیزه شدن دولت است. در واقع دولتهای فاشیستی در حالتی شکل گرفتند که سرکوبهای "عادی" پلیس و دستگاههای دولتی جواب نداده و طبقه حاکم به سراغ آنان رفته اند.

۴- اما اینکه دولت چه کار می کند هم بسیار مهم است

مبارزه علیه فاشیسم به این معنی نیست که نباید اهمیتی به کارهای دولت داد. نباید فکر کرد مبارزه علیه فاشیسم جدا از مبارزه علیه دولتی است که سخت ترین سیاستهای ریاضتی را به جامعه اعمال کرده و به سرکوب مردم دست می زند. واکنش در برابر درگیری پلیس با فاشیستها باید این باشد که هر دو آنها یکی هستند؛ زیرا فاشیستها مسیر قدرت گیری را طی می کنند و دولت هم قدرتی در دست دارد که مبارزات اجتماعی را سرکوب می کند و خود را هر چه بیشتر میلیتاریزه می کند.

به هر حال اینگونه نیست که خود دولت مانند فاشیستها به ترور متوسل نمی شود، می شود ولی این بستگی به تعادل قوا دارد. این مهم و بسیار کلیدی است که دولت یا باندهای فاشیستی تا چه حد می توانند در فضای جامعه و کوچه و خیابان مانور دهند.

۵- فاشیسم غیر قانونی است اما با فشارهای قانونی برچیده نمی شود دولت یونان خود غیر قانونی است. در چند سال اخیر بانکداران بر مردم حکومت کرده اند. چپ نباید کمپین حق قانونی راه بیندازد، بلکه باید به طور مستقیم مانور دولتی را افشا و خنثی کند. آزادی و فضایی که کارگران و جنبش اجتماعی با مبارزات شان به دست آورده اند - چه نوشته شده باشد چه نانوشته و فقط به صورت یک واقعیت سیاسی درآمده باشد - همان چیزی است که فاشیسم را تهدید می کند. به این می گویند "قانون مردم".

۶- جنبش توده ای باید فراتر از مرزهای دولتی گام بگذارد جنبش توده ای تاثیرات سیاسی دارد و برای همین است که دولت مجبور شده نسبت به فاشیستها واکنش نشان دهد. از این رو جنبش

نباید به اقدامات دولتی کفایت کند. "الکسیز سپراس"، رهبر سیریزا (بزرگترین حزب چپ یونان) در این باره گفته است،



حزب "فجر طلایی" را نباید خارج از قانون نگریست (غیرقانونی کرد) بلکه باید به قانون پاسخگو باشد. وی سپس گفت که به مقامات قضایی یونان اطمینان دارد، اما قاضی نام یک عضو سابق حزب فاشیست را که اطلاعاتی در اختیار مراجع قانونی گذاشته بود، فاش کرد. از این رو، جنایتکاران "فجر طلایی" را نباید به دست مقامهای قانونی سپرد.

این نظریه مردود است. باید به طور مدام بر غیرقانونی کردن و منحل شدن این حزب پافشاری کنیم. یک جنبش مسلحانه نیز باید سازماندهی شود که بتواند فراتر از دولت به مقابله با آن بپردازد. اعتراضات گسترده ای که جنبش ضد فاشیسم در اوایل ماه اکتبر برپا کرد و حمایت وسیعی که گرفت، نشان می دهد این جنبش آماده است تا بساط "فجر طلایی" را بکلی برچیند.

با این حال بزرگترین درس این است که سیاست، استراتژی و تاکتیک با طرحهای مجرد تدوین نمی شود. به همین صورت، رادیکالیسم با لفاظی و یا گرفتن ژست نظامی و برجسته کردن خود حاصل نمی گردد، بلکه از دخالت جدی در سازماندهی جنبش توده ای به وجود می آید. باید سیاستهایی را پی گرفت که می تواند در جامعه برش داشته باشد و همزمان از مماشات با مانورهای دستگاههای دولتی دوری جست. بجای جستجوی نقاط تفاهم با مناسبات حاکم، باید برای ایجاد یک جنبش توده ای و همه جانبه سازماندهی کرد.



آمریکای لاتین، یکپارچه معترض

از شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل برخی به عنوان یک نقطه عطف یاد کرده اند. کشور های حاضر در نشست توانستند بر سر موضوع سلاحهای شیمیایی به توافق برسند که این توافق از یک جنگ چند جانبه در سوریه جلوگیری کرد. همچنین اینطور تصور شد که بن بست برنامه هسته ای رژیم جمهوری اسلامی یک گام به راه حل دیپلماتیک نزدیک شده است.

اما آنچه که مورد توجه رسانه ها قرار نگرفت، اعتراضهای رهبران آمریکای لاتین بود. این در حالیست که این نشست شبیه به همایشی برای ابراز اعتراض و خشم نسبت به سیاستهای آمریکای شمالی بود که تلاش می کند این سوی جهان را در کنترل خود داشته باشد. آمریکای لاتین پیشتر مهمترین منطقه تحت نفوذ آمریکا خوانده می شد، اما در دوران ریاست جمهوری بوش و اوباما رابطه این کشورها با آمریکای شمالی که تیره شده بود، به تیرگی بیشتری کشیده شد.

در نشست مذکور روسای کشورهای آمریکای لاتین یکی پس از دیگری به پشت تریبون رفته و از سیاستهای آمریکا انتقاد کردند. بخش مهم اعتراضات مربوط به برنامه های جاسوسی آمریکا بود که توسط "ادوارد اسنودن" افشا شده است. جاسوسی، جنگ، و عملیات غیرقانونی زیر پوشش مبارزه با قاچاق مواد مخدر موضوعات اصلی خشم کشورهای آمریکای لاتین نسبت به آمریکای شمالی است.

طبق اسناد فاش شده از جانب اسنودن، واشنگتن در امور معاملات نفتی جاسوسی می کرده تا داد و ستد های نفتی خود را پر رونق و کشورهای آمریکای لاتین را بی نصیب کند.

رییس جمهور برزیل در این باره گفت: "این اعمال آمریکا نقض حقوق بشر و آزادیهای مدنی است و هرگز بین کشورهای دوست صورت نمی گیرد."

این در حالیست که در ۳۰ سپتامبر سال جاری، "ادوارد اسنودن"، افشاگر جاسوسی اینترنتی دولت آمریکا، نامزد دریافت مهمترین جایزه حقوق بشر شد. وی درباره عملیات جاسوسی آمریکا گفت: "این بزرگترین تهدید و چالش حقوق بشر در دوران ما است."

رییس جمهور بولیوی، "ایوو مولارس" هم حتی بیش از برزیل معترض بود. وی پایبندی آمریکا به دیپلماسی و دموکراسی را زیر سوال برد. اکوادور نیز به همین منوال سلب اعتماد کشورش از آمریکا را ابراز کرد.

"لورا کارلسون"، مدیر برنامه ریزی آمریکا در مرکز سیاست بین المللی مستقر در مکزیک و مقاله نویسنده نشریه "سیاست خارجی" در این باره می گوید: "رییس جمهور برزیل کاملاً حق داشت که به شدت اعتراض کند، زیرا اگر برزیل در آمریکا جاسوس داشت و به چنین عملیات جاسوسی دست می زد، به شدت تنبیه می شد."

وی می افزاید: "از زمانی که احزاب چپ در بولیوی و اکوادور به قدرت رسیده اند، انتقاد و اعتراض به آمریکا امری روزمره بوده است. حتی مکزیک که به خاطر قرارداد "نفثا" به آمریکا وابسته است و کمتر اعتراض می کند، خواهان تحقیق در این باره شده است. اگرچه رسانه ها افشاگریهای ادوارد اسنودن را سرپوش و مسکوت گذاشته اند، اما در این نشست و در بیانیه سازمان ملل نشان داده شد که آمریکا باید بهای سختی را برای اعمال جاسوسی خود در میان کشورهای دوست و همسایگانش بپردازد."

کشورهای آمریکای لاتین همچنین به شدت به روشهای میلیتاریستی آمریکا که به بهانه مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر صورت می گیرد، اعتراض کردند و آن را سبب رواج جنگ و کشتار و فجایع در کشورهای شان بر شمردند. آنها خواستار پیدا کردن راه حل‌های مدرن برای مبارزه با مواد مخدر شدند و معتقد بودند که قانونی کردن ماری جوانا در این مسیر کمک خواهد کرد.

خانم کارلسون می گوید مخالفت و اعتراض به جنگ علیه مواد مخدر به مذاق واشنگتن خوش نمی آید، زیرا حضور نظامی آمریکا در منطقه را کاهش می دهد. وی می افزاید: "آمریکای لاتین خواهان به دست آوردن این حق است که نظراتی مخالف قدرتهای بزرگ جهانی داشته باشد. آنها خواهان خود مختاری می باشند. برزیل و متحدانش معتقدند که این قابل قبول نیست که در دنیای متمدن ما حق امنیت و محفوظ بودن مسایل خصوصی خود را نداشته باشیم. این عدم امنیت را همچنین مدیون "مایکروسافت" و "گوگل" و غیره نیز هستیم که بدون هیچگونه پرنسیبی با سازمانهای جاسوسی همکاری می کنند."

وی معتقد است که متأسفانه نسل جدید نشان داده که حاضر است از حقوق خود که پیشینیان ما برای آن مبارزه کرده اند، بگذرد.

اما جاسوسی و جنگ علیه مواد مخدر تنها موارد مورد اعتراض این کشورها نبود. آنها خواهان انتقال مقر سازمان ملل به خارج از آمریکا بودند. همچنین عدم رعایت حفظ محیط زیست از دیگر اعتراضات ارایه شده نسبت به آمریکا بود و گفته شد اگر همه در جهان مانند مردم آمریکا زندگی می کردند، نیاز به سه کره زمین دیگر می بود!

خشم کشورهای آمریکای لاتین نشان می دهد که رابطه دو طرف با یکدیگر چندان خوب نیست و از طرفی عدم اجازه پناهندگی به اسنودن از سوی کشورهای اروپایی نشاندهنده فاصله این کشورها با آمریکای لاتین و نزدیکی بیشتر با آمریکای شمالی است. از ۲۷ کشوری که اسنودن تقاضای پناهندگی کرده بود، تنها دو کشور ونزوئلا و نیکاراگوئه پاسخ مثبت دادند. کشور بولیوی نیز بدون درخواست اسنودن به وی پیشنهاد پناهندگی داد.

کارلسون می پرسد: "آیا برای آمریکا مهم است که رابطه خوبی با آمریکای لاتین که دارای حکومت‌های متمایل به چپ است، داشته باشد؟ به نظر می آید که پاسخ منفی است. دفاع از افشاح جاسوسی، تلاش برای رودررو قرار دادن متحدان خود در پیشبرد بازار آزاد علیه کشورهایی که از اقتصاد نو - لیبرالی دور می شوند و استفاده از متحدان منطقه ای مانند کلمبیا و مکزیک برای میلیتاریزه کردن آنها تحت کنترل خویش و ایجاد شکاف بیشتر در آمریکای لاتین این را به اثبات می رساند."

وی پیشنهاد می کند که اوپاما به جای اینکه زبان اسپانیایی تمرین کند تا دل مردم آمریکای لاتین را به دست آورد، بهتر است در سیاستهای خود تجدید نظر کند.

آیا امپریالیسم آمریکا تضعیف شده است؟

احتمال حمله نظامی آمریکا به سوریه برای مدتها به یکی از مهمترین بحثها در جهان بدل شده بود که واشنگتن حتی به تنهایی مایل به انجام آن بود.



"امانوئل والرشتاین"، تحلیلگر سیاست بین المللی، در این باره و این پرسش که آیا امپریالیسم آمریکا تضعیف شده است، به سه شاخص اصلی پیرامون قصد این حمله تنبیهی اشاره می کند:

"۱- موضوع مورد بحث پر از حوادث غیر منتظره بوده است. این شامل پیشنهادی مبنی بر تحویل سلاحهای

شیمیایی سوریه به یک نهاد بین المللی نیز می شود.

۲- میزان مخالفتهای جهانی نسبت به حمله نظامی آمریکا که بطور کم سابقه ای بالا بوده است.

۳- تقریباً همه بازیگران آشکاراً ابراز کرده اند که این حمله در جهت منافع یا اهداف شان قرار ندارد.

از میان سه مورد بالا مهمترین وجهی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که از سال ۱۹۴۵ تا کنون این اولین باریست که دولت آمریکا با چنین مخالفتی داخلی به ویژه در مجلس نمایندگان که معمولاً موافقت خود را اعلام می کند، روبرو شده است. این مخالفت از چند سو و به چندین دلیل روی داده و از این روی قدرتمند شده است."

وقتی آقای اوباما سعی کرد در برابر مخالفتها نرمش نشان دهد و گفت حمله "محدود" خواهد بود، مخالفتها چه در داخل و چه در خارج شدت یافت. حمله نظامی محدود بی نتیجه ارزیابی گردید.

امانوئل در این باره می گوید: "این سوال پیش می آید که آیا اوباما ناتوان است؟ آیا ناچار به عقب نشینی شده است؟ و آیا این حاکی از کاهش قدرت آمریکا در جهان است؟"

وی پاسخ می دهد: "احتمالاً هر سه!"

آنچه که "بنیامین رودز"، مشاور امنیت ملی اوباما ابراز داشته، قابل توجه است. وی می گوید: "ایالات متحده آمریکا دهها سال است که نقش معماری امنیت جهانی و برقراری نرمهای بین المللی را بازی کرده، اکنون هم ما نمی خواهیم این پیام را برسانیم که آمریکا از این کار کناره گیری کرده است."

امانوئل تاکید می کند: "این دقیقاً مشکلی است که ایالات متحده دارد. آمریکا دیگر قدرت اینکه اهداف خود را به راحتی پیش برد ندارد. با این حال مشکل این است که اوباما نمی تواند یا نخواهد این واقعیت را درک کند."

والرشتاین همچنین می گوید: "هیچ اهمیتی نباید به بیانیه ها و سخنرانی که انتشار یافته یا گفته می شود، داد. واقعیت این است که سلاح به دست مخالفان هم از سوی سازمان سیا، عربستان سعودی و قطر می رسد، اما به چه میزان؟ هر سه کشور نگران این هستند که این سلاحها به دست مخالفان خودشان بیفتد. توجه کنید که تقریباً برای هیچکس در منطقه، بشار اسد مشکل اصلی نیست. او از القاعده برایشان بهتر است، به ویژه برای اسرائیلیها. همه آنها نگرانیهایی دارند که به سوریه به طور مستقیم مربوط نمی شود، برای اسرائیل ایران، برای عربستان سعودی رهبریت جهان عرب و برای قطر کنترل عربستان سعودی و ارتش مصر هم که مسلم است اسد را بر هر کس دیگر ترجیح می دهد. از این رو آمریکا نمی تواند مانور چندانی دهد."

مجازات اعدام در خدمت امنیت نظام

شهره صابری

"ادعا می شود که دولت، در مقام نماینده ی رفاه عمومی یا حافظ منافع عمومی قسمتی از آزادی هر فرد را می گیرد تا تضمینی باشد برای حفظ تتمه ی این آزادی، اما این تتمه با اجازه ی شما امنیت است نه آزادی. زیرا آزادی بخش ناپذیر است و با محدود کردن قسمتی از آن همه ی آن به عنوان یک کل ضایع می شود." (باکونین)



اعدام یکی از انواع خشونت است که در لباس تعهد به توافقه‌های اجتماعی و سنت‌های گنبدیده تظاهر می کند. نظام اجتماعی مبتنی بر مالکیت خصوصی که دولت از محافظان و نمایندگان آن به شمار می آید، برای اعلام تعهد به نظم موجود و اثبات پیوستگی با گند و کثافت سیستم با ابزار خشونت و انتقام جویی نسبت به بیچارگان عاصی و قربانیان نابرابریهای نظام، عرض اندام می کند.

فقر و نابرابریهای اجتماعی مهمترین عامل سرباز زدن از روشهای متعارف امرار معاش برای دستیابی به آسایش است. دولت از مجرمان عاصی و سرکش که به نوعی در برابر نظم موجودند هستند می خواهد که از قوانین نظام اجتماعی که محافظ نظم مبتنی بر مالکیت خصوصی است تخطی نکنند. دولت با اعدام و خشونت، احترام و پاسبانی خود را نسبت به نظام مبتنی بر مالکیت خصوصی و نابرابری اجتماعی اعلام می کند و با مجازات مجرمان عاصی و ستمدیده دست به سینگی و تعظیم خود به سنن عصر حَجَر را اثبات می کند. مارکس در باره مجازات اعدام می گوید: "این چه نوع جامعه ای است که وسیله ای بهتر از جلاذ برای دفاع از خود نمی شناسد و وحشیگری خود را از طریق روزنامه ای که خود را "سر آمد روزنامه های عالم" می نامد، به مثابه قانونی ابدی جار می زند؟"

تصمیم گیری برای اجرای حکم دو باره فردی که به دلیل حمل یک کیلوگرم مواد مخدر به اعدام محکوم شده بود نشان دهنده ی سخت دلی محافظان نابرابریهای اجتماعی در برابر هرگونه تخطی از مناسبات تولیدی است.

عمادالدین باقی در بخشی از مطلبی با تیتیر «حق زنده ماندن و منع شرعی اعدام مجدد» نوشته؛ حتی با فرض دفاع از مجازات اعدام و در چارچوب همین قوانین و فتاوی موجود هم اعدام مجدد فردی که پس از اجرای حکم زنده مانده، خلاف شرع است.

در مساله مورد بحث که اساسا مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر بر ساخته نهاد حکومت است نه شرع و حق خصوصی ای



Photo : Hossein Zohrevand

FARS NEWS AGENCY

هم در کار نیست و به طور کلی می توان آن را تعطیل کرد. ولی وجود قاعده عام حق فرار از مجازات، حتی درباره مجازاتهای دیگر هم قابل تعمیم است. شگفت اینجاست که کسانی از اعدام مجدد علیرضا م سخن می گویند که انتظار می رود دانش حقوقی اولیه و ضروری را داشته باشند. محمد عرفان قاضی دیوان عدالت اداری معتقد است که زنده شدن اعدامی از موارد سقوط مجازات

نیست. وی ادامه داده که به نظر بنده، کسانی که در زمینه اجرای مجدد حکم اعدام محکوم علیه که به جرم قاچاق شیشه به اعدام محکوم شده بود اظهار نظر می کنند و معتقدند که نباید این حکم مجددا اجرا شود اطلاع چندانی از قوانین حاکم بر کشور ندارند. ما اصل قانونی بودن جرایم و مجازات را داریم. علاوه بر این تا زمانی که فردی محکوم به اعمال مجازات است به شرطی که قاضی، حکم وی را به شرط سقوط مجازات صادر نکرده باشد اجرای مجدد این حکم بلامانع است. زنده شدن فرد اعدامی پس از اجرای حکم جزو موارد سقوط مجازات نیست. در واقع وقتی فردی محکوم به مجازات سلب حیات است باید حکم او کامل اجرا شود. مورد اخیر از این فرد سلب حیات نشده بنابراین حکم او کامل اجرا نشده است، پس این حرف درستی نیست که بعضی عنوان می کنند نباید حکم این فرد دوباره اجرا شود. ضمن اینکه به نظر می رسد قاضی اجرای احکام و پزشکی قانونی در این زمینه قصور کرده اند و وظیفه خود را به درستی انجام نداده اند.

ساختارها برای کنشگران در نظام اجتماعی آفریننده ی الزامهایی برای رسیدن به رفاه و آسایش هستند مارکس در رد هگل که می گوید: "مجازات حق مجرم است. این عملی ناشی از اراده خود وی می باشد. مجرم تجاوز به حق را به عنوان حق خود اعلام می کند. جرم او نفی حق است. مجازات نفی این نفی است و در نتیجه تأیید حقی است که مجرم خود، آن را مورد پشتیبانی قرار داده و بر خویشتن تحمیل نموده است." (هگل - فلسفه حق) می نویسد: "بدون شک در این فرمولبندی مغلطه ای وجود دارد. چونکه هگل به جای این که به مجرم به عنوان صرف یک معلول، برده دستگاه قضائی، نگاه کند، او را به موقعیت یک موجود آزاد که سرنوشتش را خود تعیین می نماید، ارتقاء می دهد. با نگاهی دقیق تر به موضوع ما متوجه می شویم که در اینجا، این ایده آلیسم آلمانی است که مثل اغلب نمونه های دیگر، به قوانین جامعه کنونی قطعیت ماوراء الطبیعه می بخشد. آیا این دغلکاری نیست که به جای فرد با انگیزه های واقعی اش، به جای محیط و شرایط اجتماعی گوناگونی که فرد را تحت فشار می گذارند، انتزاعی از " اراده آزاد " را - یعنی یکی از میان چندین

خصوصیات یک انسان را به جای خود انسان، قرار دهیم! این تئوری با تلقی مجازات به مثابه نتیجه اراده خود مجرم، چیزی جز بیان متافیزیکی "قانون قصاص" قدیمی (حق تلافی با تحمیل مجازات از همان نوع)، چشم در مقابل چشم، دندان در مقابل دندان، خون در مقابل خون نیست. صاف و پوست کنده آنکه، مجازات چیزی نیست جز وسیله ای که جامعه با آن در قبال تخطی و تخلف از شروط حیاتی خود، صرفنظر از صفات این شرط و شروط، از خود دفاع می کند. اما، این چه نوع جامعه ای است که وسیله ای بهتر از جلاذ برای دفاع از خود نمی شناسد و وحشیگری خود را از طریق روزنامه ای که خود را "سر آمد روزنامه های عالم" می نامد، به مثابه قانونی ابدی جار می زند؟ "

کسانی که نظام نابرابر مبتنی بر مالکیت خصوصی آنان را از رضایت و خرسندی در جامعه ی مادی محروم کرده است، خاطی می شوند. هم چنین لومپنیسم با توجه به اجبار راههای رسیدن به رفاه در ستمدیدگان و محرومان بیش از دیگر طبقات و سطوح دیگر جامعه رشد می کند. قساوت شدید و مقاومت در برابر مجرمانی که هر روز به تعداد آنها اضافه می شود، اثبات کننده ی افزایش نارضایتی از نابرابریهای اجتماعی، و دو قطبی شدن بیش از پیش جامعه است. جرم به نوعی ابراز نارضایتی از تضاد طبقاتی است. قساوت در اجرای آن هم نشان دهنده ی ترس از بهم خوردن نظمی است که ضامن پایداری مناسبات موجود و حافظ منافع غده های انگلی است. هم چنین تضاد طبقاتی و افزایش لگام گسیخته ی ثروت طبقات انگلی جامعه و تحت ستم قرار گرفتن شدید محرومان، پایبندی به کار و تولید اجتماعی را تضعیف می کند. مارکس در باره مجازات اعدام و افزایش شمار مجرمان به مجازات اعدام می گوید: "آیا ضرورت ندارد که، به جای تجلیل و ستودن جلاذ یعنی کسی که انبوهی از جنایتکاران را اعدام می کند تا برای جنایت کاران جدیدی که بوجود می آیند، جا باز شود، عمیقاً خواستار دگرگونی سیستمی باشیم که منشاء و منبع تغذیه جرم و جنایت در جامعه است."

دهم اکتبر، روز جهانی لغو مجازات اعدام

طی چند دهه گذشته تلاشهای بسیار برای لغو مجازات اعدام صورت گرفته است. در این تلاش طیف گسترده ای از نیروهای اجتماعی شرکت داشته و این حرکت همچنان ادامه دارد.

طی ده سال گذشته آمار کشورهای که مجازات اعدام را از قوانین جزایی خود حذف کرده اند افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر ۱۴۱ کشور طرفدار لغو مجازات اعدام در قانون و در عمل هستند و در ۵۸ کشور جهان مجازات اعدام هنوز اعمال می شود.

بیشترین شمار اعدامها در چین، ایران، کره شمالی، عربستان سعودی، پاکستان و آمریکا صورت می گیرد. این کشورها مسئول اجرای ۹۳ درصد احکام اعدام در جهان هستند. اگر آمار اعدامها به نسبت جمعیت سنجیده شود، جمهوری اسلامی در رده اول قرار می گیرد.

بر اساس گزارش عفو بین الملل، در ایران از سال ۲۰۱۰ شمار اعدامها به طور کلی و اعدامهایی که در انظار عمومی صورت می گیرد افزایش بسیار پیدا کرده است و بالاترین آمار اعدام نوجوانان در جمهوری اسلامی صورت می گیرد.

در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل پروتکل دوم اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) در باره لغو مجازات اعدام را به تصویب رساند. هدف این پیمان الغای قطعی مجازات اعدام در تمامی کشورها است. جمهوری اسلامی از حمله کشورهای است که در جهان از نظر تعداد صدور و اجرای حکم اعدام در رتبه های اولیه آمارهای جهانی قرار دارد.

در سال ۲۰۰۲ سازمان عفو بین الملل و سازمان همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام روز ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) را روز جهانی مبارزه با مجازات اعدام اعلام کردند.

چالشهای معلمان در مهر ماه

فرنگیس بایقره

آمار معلمان ممنوع التدریس معلوم نیست

پس از انتشار گزارشی در مورد شمار معلمان ممنوع التدریس، سرپرست وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه آماری از تعداد معلمان ممنوع التدریس ندارم، گفت؛ این گروه از معلمان برای پیگیری وضعیت شان به آموزش و پرورش مراجعه کنند.

به گزارش "روزنامه بهار"، تعداد معلمان ممنوع التدریسی در کل کشور به ۵ هزار نفر می رسد و پیگرد آنها از سال ۸۵ شروع شد؛ پس از تجمعات معلمان در برابر مجلس و در اعتراض به اجرا نشدن قانون مدیریت خدمات کشوری توسط دولت که به دعوت دو تشکل "سازمان معلمان ایران" و "کانون صنفی معلمان" برگزار شد. در پی این تجمعات، تعداد قابل توجهی از فعالان صنفی گرفتار احکام قضایی و اداری آموزش و پرورش شدند و در کنار پرونده هایی که در دادگاههای انقلاب برای آنها تشکیل شد، توسط هیاتهای بدوی رسیدگی به تخلفات اداری، احضار و با استناد به همان احکام دادگاههای انقلاب برای آنها احکامی صادر شد.

اکنون به گزارش "فارس"، علی اصغر فانی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به این پرسش که چه میزان معلم ممنوع التدریس در آموزش و پرورش وجود دارد، می گوید؛ آمار دقیقی از این افراد ندارم.

وی ادامه می دهد؛ دادگاه تخلفات اداری آموزش و پرورش ماموریت پیدا کرده است تا پرونده ها را بررسی کند، البته فرهنگیانی که دارای چنین مشکلی هستند به آموزش و پرورش مراجعه کنند تا این موارد را پیگیری کنیم.

فانی در پاسخ به این پرسش که ممنوع التدریس شدن معلمان یاد شده از سوی کدام ارگان است، گفت؛ از سوی نهادهای مختلف است، اما به موارد مربوط به دادگاه تخلفات اداری آموزش و پرورش زودتر رسیدگی می کنیم.

وی تاکید کرد؛ فرهنگیان ممنوع التدریس به آموزش و پرورش مراجعه کنند و ما نیز به کارشان سریعاً رسیدگی می کنیم.

محکومیت دبیر کل سازمان معلمان ایران به تحمل پنج سال حبس

علیرضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل ۵ سال حبس محکوم شد. اتهام وی اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی عنوان شده است.

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه، آقای علیرضا هاشمی را مشمول ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی دانسته و او را به تحمل ۵ سال حبس با احتساب ایام بازداشت محکوم کرده است.

علیرضا هاشمی اولین بار در اسفند ۱۳۸۵ در مقابل مجلس شورای اسلامی دستگیر شد. این تجمع با هدف اعتراض به اجرا نشدن قانون مدیریت خدمات کشوری از سوی دو تشکل سازمان معلمان ایران و کانون صنفی معلمان ترتیب داده شده بود. دبیر کل سازمان معلمان ایران به خاطر پرونده ای که در آن موقع تشکیل شد، از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل ۳ سال حبس محکوم شد.

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به مناسبت آغاز سال تحصیلی

به گزارش "خبرگزاری هرانا"، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به مناسبت آغاز سال تحصیلی و همزمانی آن با صدور احکام سنگین قضایی برای فعالان صنفی معلمان بیانیه ای صادر کرده است. در این بیانیه از جمله آمده است: "کانون

صنفي معلمان ايران (تهران) براین باور است که: بهبود شرایط نابسامان فعلی که ناشی از بی‌تدبیریه‌های مجریان دولت قبل است، همدلی و هماهنگی مسوولان هر سه قوه رامی طلبد. و هرچند، حل معضلات اقتصادی جامعه، مورد توجه دولت قرار گرفته، لیکن روشن است بدون توقف اجرای احکام قضایی مذکور و برطرف نمودن محدودیتهای ایجاد شده برای نهادهای مدنی و کنشگران صنفي، تلاشهای دولت تدبیر و امید برای خروج از شرایط بحرانی کنونی، راه به جایی نخواهد برد و بی شک این دولت، پشتوانه مردمی خود را از دست خواهد داد.

براین اساس کانون صنفي معلمان، تحقق خواسته های برحق زیر را درآستانه ورود به سال تحصیلی جدید، نشانه توجه مسوولان کشور به افکار عمومی فرهنگیان و توجه راستین آنان به این بخش تاثیرگذار جامعه تلقی می نماید:

- توقف فوری اجرای حکم زندان برای آقایان علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفي معلمان و محمود بهشتی لنگرودی، بازرس و سخنگوی این تشکل.

- رفع کلیه احکام مبتنی بر حبس تعلیقی، تبعید و... از معلمان فعال در نهادهای صنفي کشور.

- پایان بخشیدن به دوره حبس تمامی معلمان زندانی دریک محدوده زمانی قابل قبول.

- رفع محدودیتهای و موانع فراقانونی برای فعالیتهای قانونی و آزادانه نهادهای صنفي فرهنگیان.

بی شک اتخاذ تصمیمهای مدبرانه برای تحقق این خواسته ها، نوید بخش بازگشت فضای امنیت و اعتدال در جامعه، به خصوص در بین فرهنگیان کشور خواهد بود.

بیانیه سازمان معلمان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی

سازمان معلمان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید بیانیه ای منتشر کرد. در این بیانیه، سازمان معلمان ایران خواسته های خود از دولت روحانی را "با تکیه بر اصل مطالبه محوری و دوگانه حمایت - انتقاد" برشمرده و از جمله خواهان آزادی معلمان زندانی، تشکیل شورای عالی معلمان، اجازه فعالیت به تشکلهای و نهادهای مدنی و استقلال آموزش و پرورش و عدم دخالت "نهادهای غیرمسوول" در آن شده است. تشکل یاد شده همچنین خواستار آن شده است که: "ضمن رعایت اصل "اعتدال" و البته به دور از نگاه محافظه کارانه که رویکرد حفظ وضع موجود را دنبال می کند، اعتماد به نفس و جرات نقد و نقادی در فضای مایوس و طوفان زده آموزش و پرورش احیا شود."

احضار هاشم خواستار برای اجرای حکمی که به او ابلاغ نشده

هاشم خواستار، معلم بازنشسته و فعال مدنی که پس از تحمل دوسال زندان در تابستان سال ۹۰ آزاد شده بود، به دلیل نوشتن نامه های انتقادی در زمان حبس خود در زندان وکیل آباد مشهد توسط دادگاه بدوی به شش میلیون تومان جریمه نقدی، سه سال ممنوع الخروجی و سه سال ممنوعیت از فعالیتهای اجتماعی محکوم شده است. آقای خواستار به "کمپین بین المللی حقوق بشر" گفت که حکمش توسط دادگاه تجدید نظر صادر شده است، اما این حکم به او و یا وکیلش ابلاغ نشده و مقامات قضایی از او خواسته اند که برای اجرای حکمش خود را معرفی کند.

هاشم خواستار افزود: "طبق نامه ای که در تاریخ ۹ مرداد ماه دریافت کردم، حکم دادگاه تجدید نظر صادر شده است، اما متأسفانه حکم نه به من و نه به وکیل ابلاغ نشده است. وکیل برای پیگیری حکم به دادگاه رفته، اما آنها به او گفته اند که حکم را نشان نمی دهند و فقط باید خودم برای اجرای حکم بروم."

هاشم خواستار، معلم بازنشسته و رییس کانون صنفي معلمان مشهد که در هنرستان کشاورزی تدریس می کرد، در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر و بعد از یک ماه و نیم با وثیقه ۳۵ میلیون تومانی آزاد شد. وی در تاریخ ۲۵ شهریور ۸۸ دوباره بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد منتقل و در دادگاه بدوی به شش سال حبس محکوم شد که دادگاه تجدید نظر حکم را به دو سال حبس کاهش داد. او تابستان ۱۳۹۰ از زندان وکیل آباد مشهد آزاد شد.

آقای خواستار همچنین اطلاع داد که خانم صدیقه مالکی، همسرش از اتهام تبلیغ علیه نظام و تشویق اذهان عمومی به دلیل مصاحبه با رسانه ها در زمان زندانی بودن همسرش تبریه شده است. او گفت: "همسر را تبریه کردند، اما در مورد تبریه او نیز کاغذی نشانمان ندادند و فقط شفاهی گفتند که او تبریه شده است."

اعتراض معلمان پاره وقت در مقابل اداره آموزش و پرورش در شهر کرد

به گزارش "آژانس ایران خبر"، بیش از ۱۵۰ معلم پاره وقت استان چهار محال و بختیاری روز یکشنبه ۱۴ مهر ماه در مقابل اداره آموزش و پرورش استان در شهر کرد تجمع کردند و اعتراض خود را به وضعیت نامشخص کارشان ابراز داشتند. به گفته نمایندگان این معلمان، بیش از ۵ سال است که تبدیل وضعیت آنها در حالی که ای از ابهام است و مرتب به آنها دروغ گفته می شود. این معلمان با حقوقی معادل ۳۰۰ هزار تومان مجبورند در دورترین نقاط استان تدریس کنند و اگر اندک امید تبدیل وضعیت به نیروهای رسمی وجود نمی داشت، هرگز تن به این کار نمی دادند.

لازم به ذکر است تا ۵ سال پیش هر معلم پاره وقت مدت زیادی طول نمی کشید تا معلم رسمی شود، اما اکنون کسانی هستند که ۵ سال مستمر کار می کنند، ولی استخدام رسمی نیستند. اعتراض معلمان در مقابل آموزش و پرورش همراه با شعار علیه آموزش و پرورش استان بود. صدای شعار "نیکخو برو گمشو" مرتب از میان معلمان به گوش می رسید.

نماینده مجلس: ۴۰۰۰ میلیارد اعتبار نوسازی مدارس کجا خرج شده؟

نماینده مجلس از شهرستانهای پیرانشهر و سردشت گفت: "باید از سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور تحقیق و تفحص شود."

رسول خضری در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با بیان این مطلب گفت: ۱۵۰ هزار کلاس درس در کشور وجود دارد که هنوز با بخاری گرم می شوند، سوال اینجاست که ۴۰۰۰ میلیاردی که در سال ۹۰ در اختیار سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس داده شده است، چگونه و کجا خرج شده است؟

وی تصریح کرد: نمی دانم با این اعتباری که در اختیار سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس قرار داده اند، چرا این همه کلاس درس با این وضعیت در کشور وجود دارد؟

خضری با تاکید بر اینکه باید از سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس تحقیق و تفحص صورت گیرد، افزود: باید این تحقیق و تفحص انجام شود تا ببینیم آن ۴۰۰۰ میلیارد چگونه هزینه شده است.

وی خاطر نشان کرد: تحقیق و تفحص از سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس باید در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس مطرح شود و به طور حتم اولین نفری خواهیم بود که این طرح را امضا می کنم.

واریز ۱۰۰ میلیارد تومان به حساب وزارت آموزش و پرورش برای تجهیز وسایل گرمایشی مدارس

سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفت: مقرر شد که ۱۰۰ میلیارد تومان به آموزش و پرورش بابت تجهیز سیستم گرمایشی مدارس کل کشور پرداخت شود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، عبدالوحید فیاضی، نماینده مردم نور و محمود آباد با اشاره به پیگیری کمیسیون آموزش در خصوص تجهیز وسایل گرمایشی مدارس، اظهار داشت: بنا به قانون بودجه قرار بود که شرکت گاز برای تجهیز سیستم گرمایشی مدارس از محل افزایش ۱۰۰ ریالی هزینه گاز که رقمی معادل ۲۰۰ میلیارد تومان است را به آموزش و پرورش پرداخت کند که متأسفانه این مهم محقق نشد.

وی افزود: با پیگیریهای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، نهایتاً مقرر شد که ۱۰۰ میلیارد تومان به آموزش و پرورش بابت تجهیز سیستم گرمایشی مدارس کل کشور پرداخت شود. همچنین در جلسه ای که با "فانی"، سرپرست وزارت آموزش داشتیم قرار شد که ۲۹ مهرماه این مبلغ به حساب این وزارتخانه واریز شود.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در مهر ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی



روز دوشنبه ۱ مهر بیش از ۱۰۰ تن از کارگران اخراجی شهرداری سقز در اعتراض به اخراجشان در مقابل شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران اخراجی در این تجمع از عدم پاسخگویی شهردار این شهر به خواسته‌هایشان خشمگین و معترض بودند.

به گزارش ایران کارگر، جمعی از کارگران شرکت پروفیل ساوه روز دوشنبه ۱ مهر در اعتراض به مخالفت کارفرما با تأیید مشاغل سخت و زیان آور در این شرکت در مقابل اداره کار شهرستان ساوه دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز دوشنبه ۱ مهر، بازنشستگان صنعت فولاد کرمان در خیابان اقبال این شهر تجمع کردند. به گزارش سایت سازمان مجاهدین

خلق، این بازنشستگان در اعتراض به سر دوانده شدن توسط مقامات ذیربط حکومتی و عدم پرداخت مطالبات معوقه خود در خیابان اقبال این شهر در مقابل اداره بازنشستگان صنعت فولاد دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز چهارشنبه ۳ مهر کارگران شهرداری و کارمندان آتش نشانی اندیمشک جلوی درب شهرداری تجمع کردند. بنا به گزارشات دریافتی، کارگران مذکور حقوق شان چند ماهی عقب افتاده و در این چند سال هر چند ماه فقط حقوق ۱ ماه را دریافت می‌کنند.

علیرغم حضور گسترده پلیس گروه کثیری از مردم اراک پانزدهمین تجمع اعتراضی خود را روز شنبه ۶ مهر علیرغم محدودیتها و ممنوعیتها برگزار کردند. آنها پلاکاردهایی با خود به همراه داشتند که در آن نوشته بود؛ مردم اراک نفس می‌خواهند. اراک بالاترین شهر کشور دارای سرطان است.

روز شنبه ۶ مهر کارگران اخراجی مسکن مهر سقز در اعتراض به اخراجشان در مقابل ساختمان شرکت مسکن مهر سقز دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، کارگران در این تجمع خواستار برگشتن به سرکار خود شدند.



به گزارش سایت ورزش هرمزگان، جمعی از پرسنل مجموعه ورزشی آزادی روز دوشنبه ۸ مهر در مقابل وزارت ورزش تجمع کردند. به گزارش فارس این کارکنان خواهان پرداخت حق و حقوق خود هستند.

روز سه شنبه ۹ مهر بیش از ۷۰۰ متقاضی مسکن ویژه تهران (تهرانسر) در محل پروژه تجمع کردند و خواستار سرعت ساخت این واحدهای مسکونی شدند. به گزارش فارس؛ به گفته متقاضیان مسکن ویژه تهران (تهرانسر) این پروژه بیش از یک ماه است که هیچ پیشرفت فیزیکی ندارد. تجمع کنندگان اعلام کردند که نمای بیرونی واحدهای مسکونی تهرانسر تمام شده است اما وقتی داخل پروژه می شویم در این واحدها هیچ اقدامی نشده است.

کارگران کارخانه مجتمع صنعتی سیمان تهران در روز چهارشنبه ۱۰ مهر در مقابل درب ورودی کارخانه واقع در شهرری محله غنی آباد تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، این کارگران معترض به عدم دریافت مزایای اضافه کاری خود از سه ماه گذشته تاکنون سخت معترض بوده و تهدید کردند در صورتی که تا چند روز آینده طلب آنها پرداخت نشود کلیه کارگران کارخانه را با خود همراه کرده و کار را زمین گذارده و دست به اعتصاب خواهند زد.

کارگران فولاد زاگرس در روز چهارشنبه ۱۰ مهر دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، همزمان با برگزاری جلسه هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه، کارگران شرکت فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل این اداره زدند و خواهان تحقق خواسته های خود شدند. کارگران شرکت فولاد زاگرس اعلام کردند تا رسیدن به خواست خود مبنی بر بازگشت به کار و دریافت کلیه مطالبات معوقه از کارفرما، لحظه ای از پای نخواهند نشست.

کارگران ماشین لنت روز پنجشنبه ۱۱ مهر در اعتراض به اخراج و عدم دریافت بیش از ۱۱ ماه حقوق، در مقابل اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان سمنان تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ علت تجمع کارگران، اعتراض به تعویق ۱۱ ماه حقوق و همچنین اخراج ۲۰ تن از کارگرانی است که ۵ نفرشان در آستانه بازنشستگی قرار دارند. این کارگران علاوه بر این که یازده ماه حقوق از کارفرما طلب دارند، چهار سال عیدی، سنوات و حق بُن خود را نیز دریافت نکرده اند.

روز یکشنبه ۱۴ مهر یکی از کارکنان شرکتهای گل گهر در محور سیرجان - مجتمع گل گهر بر اثر تصادف جان خود را از دست داد که این مساله با اعتراض کارگران به کم کاری مسئولان در دوبانده کردن این جاده رو به رو شد. به گزارش فارس محور سیرجان به مجتمع سنگ آهن گل گهر شاهد تصادفی دیگر بود و یکی از کارکنان شرکتهای گل گهر با خودروی سواری پژو هنگام سبقت و انحراف به چپ در برخورد با کامیون جان خود را از دست داد.

روز یکشنبه ۱۴ مهر، تعدادی از کارگران کارخانه روغن نباتی جهان به منظور تبدیل وضعیت این کارخانه در مقابل آن تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگرانی که در این تجمع حضور داشت اظهار داشت؛ هر هفته یک تصمیم جدیدی در کارخانه گرفته می شود و مدیر عامل شرکت در مدت چهار ماه فقط یکبار به مدت چند ساعت در کارخانه حضور پیدا می کند.

روز یکشنبه ۱۴ مهر، بازنشستگان پالایشگاه نفت آبادان مقابل وزارت نفت دست به تحصن زدند. به گزارش روزنامه شرق این اولین بار نیست که این بازنشستگان آرام و ساکت در مقابل وزارت نفت تحصن می کنند.

روز یکشنبه ۱۴ مهر جمعی از کارگران ذوب آهن اصفهان در شهرکرد در خیابان سعدی غربی حد فاصل چهار راه فردوسی و سه راه سینما تجمع کرده و باعث شدند تمامی این مسیر بسته شود. بر اساس گزارشات دریافتی این تجمع ترافیک زیادی را برای مدت ۴ ساعت در شهر ایجاد نمود به گفته شاهدان عینی این اعتراض در پی پرداخت نشدن سه ماه حقوق این کارگران بازنشسته انجام گرفته است.

به گزارش ایران کارگر، روز دوشنبه ۱۵ مهر، کارگران اخراجی شرکت پونل در پاکدشت در ادامه اعتراض به انحلال شرکت و اخراج همه کارگران، در مقابل دادسرای پاکدشت دست به تجمع زده و خواستار صفر مطالبات معوقه و سنوات خود و همچنین خواهان بازگشت به کار گردیدند. این کارگران از ۹ شهریور امسال تاکنون در اعتصاب می باشند.

کارگران و کارمندان شهرداری تهران در روز دوشنبه ۱۵ مهر در مقابل دفتر شرکت شهر سالم واقع در میدان آرژانتین تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، این کارگران و کارمندان دلیل تجمع و اعتراض خود را عدم تحقق وعده های مسئولان شرکت شهر سالم اعلام کردند.

روز دوشنبه ۱۵ مهر، کارگران کارخانه چوب محسن وابسته به یک نهاد حکومتی بخشی از جاده ارتباطی شهرکرد به خوزستان را بسته و مانع از تردد خودروها در این مسیر شدند. به گزارش ایران کارگر، این کارگران که در حال حاضر ۷ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند در بلا تکلیفی به سر برده و کارفرمایان آنها نیز توضیح قانع کننده ای نمی دهند.

کارگران مخابرات روستایی در روز دوشنبه ۱۵ مهر در مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که تعدادشان صدها تن تخمین زده می شد به نمایندگی از ۹ هزار کارگزار مخابرات روستایی در سراسر کشور به تهران آمدند و با تجمع مقابل ساختمان شرکت مخابرات ایران خواستار اجرای بند ۶۲ از ردیف ۸۶ قانون بودجه سال ۹۲ شدند.

کارگران لوازم خانگی آردل در روز سه شنبه ۱۶ مهر در جلوی دفتر مرکزی شرکت دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران آردل در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه حقوق و ۱۰ ماه بیمه خود دست به تجمع اعتراضی در برابر دفتر مرکزی این شرکت واقع در خیابان ولی عصر - پارک ساعی زدند. به دنبال این تجمع اعتراضی روز بعد یک ماه از سه ماه دستمزد معوقه آنان به حساب شان واریز شد.

کارگران شرکت شیمیایی فلزی خاور در روز سه شنبه ۱۶ مهر در مقابل اداره کار پاکدشت تجمع کردند. به گزارش بهار ایران این کارگران خواستار بازگشت به کار شدند.

به گزارش ایلنا، روز چهارشنبه ۱۷ مهر، در پایان دومین روز از تجمع اعتراضی کارگران در مقابل مراکز مخابرات روستایی کشور، مسئولان مذاکره کننده از جانب شرکت مخابرات با خواسته های معترضان در خصوص پوشش مستمر بیمه ای و انعقاد قرارداد مستقیم کار با آنها موافقت کردند.

روز پنجشنبه ۱۸ مهر، بیش از ۲۰۰ نفر از رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران با لباس فرم در مقابل ساختمان اصلی شهرداری تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران خواهان اعمال افزایش ده درصدی حقوقهای خود هستند. شرکت واحد تهران یکی از شرکتهای زیر مجموعه شهرداری تهران است

اما شهرداری تهران از اعمال حقوق و سایر مزایایی که به کارگران و کارمندان شهرداری تعلق می‌گیرد در مورد کارگران و رانندگان شرکت واحد خودداری می‌کند.

روز پنجشنبه ۱۸ مهر تعدادی از رانندگان سیستم حمل و نقل پتروشیمی بندر امام که کارگران شرکتهای فیرمکو و شاخص را (طبق قراردادهای قبل) به سر کار می‌رساندند، به علت عدم پرداخت دستمزد و حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند و از آوردن و بردن کارگران به محل کار خودداری کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در نتیجه این اعتصاب تعدادی از کارگران نتوانستند بر سر کارهای خود حاضر شوند.

کارگران و کارمندان شاغل در پژوهشگاه نیرو که یکی از زیر مجموعه های وزارت نیرو است روز پنجشنبه ۱۸ مهر در مقابل ساختمان آن واقع در انتهای خیابان دادمان شهرک غرب تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران به لغو قرارداد سرویس رفت و برگشت کارکنان که به تازگی انجام شده سخت معترض بودند. در پی ازدحام کارگران در خیابان دادمان چندین واحد گشتی نیروی سرکوبگر انتظامی سریعاً به محل آمده و با حمله و هجوم به کارگران بی دفاع با تهدید و زور آنها را متفرق کرده و ۳ تن از کارگران جلودار در اعتراض را دستگیر و به نقطه نامعلومی انتقال دادند.

روز پنجشنبه ۱۸ مهر، کارگران اخراجی کارخانه فولاد زاگرس از تلاش مالکان کارخانه برای خروج ضایعات چدنی برای فروش و ممانعت کارگران با حمایت نیروی انتظامی از این اقدام خیر می‌دهند. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران اخراجی کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس در این باره گفت، کارفرما قصد داشت ضایعات چدنی را از کارخانه خارج کند و هنگامی که با ممانعت بیش از ۳۰ کارگر اخراجی کارخانه رو به رو شد از نیروی انتظامی کمک خواست که در نهایت نیروی انتظامی نیز، حق را به کارگران داد.

صبح روز پنجشنبه ۱۸ مهر تعدادی از کارگران شاغل در کارگاههای واقع در قزوین نسبت به عدم پرداخت حقوق عقب مانده و اخراج همکارانشان در محوطه وزارت کار واقع در خیابان آزادی تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، تجمع کنندگان بر روی صندلیها نشسته و منتظر وزیر کار بودند و حاضر به ترک آنجا نبودند.

روز شنبه ۲۰ مهر، کارگران واگن پارس همزمان با حضور وزیر کشور در اراک در محوطه این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تعویق در پرداخت حقوق کارگران یکی از مشکلاتی است که هر ماه با واریز بخشی از مطالبات کارگران به طور موقت رفع می‌شود اما تمامی مشکلات کارگران مربوط به تأخیر پرداخت حقوق نیست بلکه بقای واگن پارس اولین و مهم‌ترین خواسته کارگران این شرکت به شمار می‌رود.

روز شنبه ۲۰ مهر گروه کثیری از مردم اراک هفدهمین تجمع اعتراضی خود را علیه محدودیتها و ممنوعیتها در میدان شهدا (باغ ملی) برگزار نمودند. آنها پلاکاردهایی با خود به همراه داشتند که نسبت به آلودگی هوا اعتراض کرده و خواهان رسیدگی به وضعیت موجود شدند در پلاکاردهای مردم اراک نوشته شده بود؛ اراک بالاترین شهر کشور دارای سرطان، مردم اراک نفس می‌خواهند. رژیم





جهت ممانعت از تجمع مردم، تمامی پیاده روهای میدان شهدا را تخریب کرده تا مانع تجمع اعتراضی مردم شود، ولی علیرغم تمامی اقدامات مردم برای هفدهمین بار تجمع اعتراضی خود را برگزار نمودند.

تعدادی از رانندگان تاکسی شهرک نگین در اعتراض به تغییر ایستگاه تاکسی از خیابان علمیه به خیابان آرامگاه نکا در روز یکشنبه ۲۱ مهر اعتصاب کردند. به گزارش فارس، با خودداری رانندگان تاکسی در حمل مسافران به شهرک نگین، تعدادی از مسافران و شهروندان نکایی نیز بر این باورند که انتقال این ایستگاه به جای دیگر تنها در طول مسافت مسافریین تاثیر نامطلوب دارد.

کارگران شرکت صنعتی ساراوال در روز دوشنبه ۲۲ مهر در مقابل دفتر کارخانه در سعادت آباد تهران تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر مدیران شرکت ساراوال در پی کاهش تولید کارخانه و برای کاهش هزینه ها اقدام به اخراج کارگران کرده اند که همین امر سبب اعتراض شدید کارگران شد.

پس از گذشت بیش از سه ماه از اخراج کارگران فولاد زاگرس، روز سه شنبه ۲۳ مهر هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه رای به ابقا به کار این کارگران و پرداخت کلیه معوقات آنان داد. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۲۳۵ کارگر فولاد زاگرس ۱۸ تیر ماه سالجاری از کار خود اخراج شدند و کارفرما تلاش کرد با همکاری استانداری کردستان و اداره کار به طور غیر قانونی این کارگران را به بیمه بیکاری وصل کند اما کارگران فولاد زاگرس در مقابل خواستههای کارفرما و اداره کار ایستادگی کردند. کارگران فولاد زاگرس بیش از سه ماه مبارزه ای متحد و قدرتمند را به پیش بردند و با ایستادگی در مقابل انواع تهدیدها و فشارهای مختلف اجازه نداند حقوق انسانی شان قربانی بند و بست کارفرما و حامیانش شود.

جمعی از کارگران قرار دادی کارخانه آلومینیوم المهدی با امضای طوماری، خواستار یکسان سازی حقوق و سایر مزایا در رابطه با بدی آب و هوا شدند. به گزارش روز چهارشنبه ۲۴ مهر ایلنا، در این طومار که به امضای ۶۰۰ تن از کارگران متخصص قرار دادی شاغل در کارخانه آلومینیوم المهدی بندرعباس رسیده، آمده است؛ ما کارگران کارخانه آلومینیوم سازی المهدی، مدت‌هاست که پی‌گیر یکسان سازی حقوق و سایر مزایای قانونی خود در زمینه بدی هوا هستیم، ولی متأسفانه این خواسته صنفی و قانونی ما تاکنون محقق نشده است. این کارگران در چندین نوبت با تجمع در مقابل کارخانه و نهادهای دولتی خواستار رفع مشکلات شان شده اند.

جمعی از کارگران کارخانه لوله پلی تن سنندج در اعتراض به اخراج ۴۵ تن از کارگران و عدم تمدید قراردادها روز پنجشنبه ۲۵ مهر در مقابل درب این کارخانه در سنندج تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، این کارگران اخراجی چندی پیش به پایین بودن حقوق شان به مدیریت کارخانه اعتراض کرده و خواستار بالا بردن سطح حقوق شان شدند ولی مدیر کارخانه بجای پاسخگویی و رسیدگی به خواست کارگران محروم از تمدید قرارداد با کارگران خودداری و عملاً آنها را اخراج کرد.

روز شنبه ۲۷ مهر، مردم اراک در میدان شهدای شهر این شهر تجمع هفتگی خود را برگزار کردند. این تجمع علیرغم حضور گسترده پلیس و تخریب پیاده روها و حضور معصومه ابتکار در اراک صورت گرفت. رژیم با انواع ترفند ها مثل کندن سنگفرش باغ ملی و گونی کشیدن دور میدان و حفر جاله و خندق ایجاد مانع برای تجمع مردم می کند. اما مردم اراک تا اقدام عملی برای بهبود هوای شهر صورت نگیرد، هر هفته به تجمع اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

کارگران آلومینیوم المهدی در بندر عباس روز شنبه ۲۷ مهر در اعتراض به عدم یکسان سازی حقوق کارگران این کارخانه، در محل این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، کارگران معترض در این تجمع طوماری را که توسط ۶۰۰ کارگر متخصص این کارخانه امضا شده را برای تحویل به استانداری تهیه کردند.

روز شنبه ۲۷ مهر بیش از ۳۰۰ کارگر پتروشیمی بیستون کرمانشاه در مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش بهار ایران، کارگران به پرداخت نشدن سه ماه حقوقشان و همچنین عدم امنیت شغلی در این شرکت اعتراض کردند.

به گزارش آژانس ایران خبر، جمعی از کارگران شرکت چدن نت واقع در شهرک صنعتی عباس آباد در تهران روز یکشنبه ۲۸ مهر در مقابل اداره کار پاکدشت دست به تجمع زده و خواهان ۴ ماه حقوق معوقه خود شدند. اکثریت تجمع کنندگان زنان کارگر بودند که به شرایط سخت کاری و حقوقهای پایین و متقابلاً از بی عملی ارگانهای ذیربط دولتی در این خصوص معترض بودند

پرستاران بیمارستان خمینی در اعتراض به کمبود پرسنل پرستاری و اضافه کاری اجباری در روز یکشنبه ۲۸ مهر در محوطه این بیمارستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کمبود پرسنل در بیمارستان خمینی به علت دارا بودن بخشهای تخصصی و غیر تخصصی نسبت به مراکز درمانی دیگر حادث است و به دلیل حاد بودن کمبود پرستار، بیمارستان به پرستاران اضافه کار اجباری می دهد که این با قوانین شغل پرستاری مغایر است.

کارگران پیمانی پتروشیمی فجر (شرکت کارفرما) در روز دوشنبه ۲۹ مهر در اعتراض به عدم دریافت حق سختی کار، کوتاه بودن مدت زمان قرارداد و همچنین ناعادلانه بودن آیین نامه انضباطی شرکت پیمانکاری «رامپکو» دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، مدیر عامل پتروشیمی فجر قول داده بود حق سختی کار که معادل ۲۲ درصد مزد پایه است همراه با حقوق مهر ماه به کارگران پرداخت شود اما شرکت پیمانکاری به تعهدش در این خصوص عمل نکرد.

جمعی از بازنشستگان ذوب آهن اصفهان صبح روز سه شنبه ۳۰ مهر در خیابان نشاط این شهر تجمع کردند. به گزارش ایمن، بازنشستگان فولاد و ذوب آهن اصفهان به دلیل پرداخت نشدن حقوق شهریور و مهر ماه خود جلوی درب صندوق بازنشستگی ذوب آهن واقع در خیابان نشاط تجمع کردند. بازنشستگان ذوب آهن تاکنون بارها اقدام به تجمع اعتراضی کرده اما تا کنون نتیجه ای نگرفته اند.

متقاضیان مسکن مهر فرون آباد در جنوب تهران در روز سه شنبه ۳۰ مهر با تجمع بزرگ خود جاده پاکدشت به سمت تهران را مسدود کردند. به گزارش فارس معترضان مسکن مهر فرون آباد در جنوب تهران تاخیر بیش از یک سال مجریان پروژه مسکن مهر امین نسبت به تعهدات خود برای تحویل واحدهای مسکونی و افزایش چندین باره قیمت های مسکن مهر را از جمله دلایل این اعتراض عنوان کردند.

نوزایش جنبش چپ دانشجویی در ایران

مجید شمس

شورش دانشجویان، این حساس ترین درجه سنج تنشهای موجود در دل جامعه، هشدار از انفجارات پیش رو است. این اولین گلوله های انقلاب ایران است که شلیک می شود. (اولین گلوله های انقلاب ایران - آلن وودز، ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۹)



روحانیت مرتجع به رهبری خمینی جنایتکار شاید توانست با اعدامهای دسته جمعی دهه ۶۰ جو رعب و وحشت را در جامعه حاکم کند، اما با این کار ارتش جدیدی از فعالان انقلابی خلق کرد. فرزندان اعدام شدگان که در دهه ۱۳۷۰

بزرگ شدند و نسل جدید را به وجود آوردند، نفرت و شوق انتقامی وصف نشدنی در درون خود دارند. این نسل به ستون اصلی جنبشهای دانشجویی بدل شد که در اواخر دهه ۷۰ شکل گرفت و بنیاد جنبشهای چپ دانشجویی را رقم زد. البته اگر واقع بینانه بگوییم، پروسه شکل گیری جریانهای مارکسیستی به دلیل ثقیل بودن مفاهیم مارکسیستی و همچنین سرخوردگیهای ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی سابق که الگوی کمونیسم انگاشته می شد، کمی به تاخیر افتاد. در این راستا جنبش چپ دانشجویی دست به یک تاکتیک سیاسی زد و به دنبال ائتلاف با گروههای فکری و سیاسی اپوزیسیون دیگر در جنبش دانشجویی از جمله لیبرالها، فمینیستها، قومیت گرایان و... بود. تمام این جریانهای محسوس ایدیولوژیکی در دانشگاههای ایران، براندازی استبداد دینی به قصد برپایی حکومتی دموکراتیک را طلب می کنند.

در اینجا به برخی علل پیدایی جنبشهای چپ مارکسیستی در میان دانشجویان می پردازم:

الف) جریانهای مارکسیستی و سوسیالیستی در قرن نوزدهم در واکنش به ظلم و استثمار سرمایه داری غرب پدید آمدند. پس از انقلاب صنعتی و شکل گیری طبقه بورژواز، ستمدیدگان نظام سرمایه داری (کارگران) به اردوگاه چپ پناه بردند. بنابراین، علت ایجاد گرایشها و جریانهای مارکسیستی، ماهیت و رویکرد نظام سرمایه داری غرب بود. روشن است که تا وقتی نظام سرمایه داری وجود داشته باشد، جریانها و اندیشه های مارکسیستی نیز وجود خواهد داشت. در جامعه ایران نیز همین تنشها وجود داشت. به گفته رحیم نامور، نهضت مشروطیت اگر از یکسو به علت "همزمانی با آغاز رشد امپریالیسم" در موقعیت شومی قرار گرفت، اما متقابلاً همزمان شد با "دوران اوج انقلابات پرولتری" که باعث تقویت آن می گردید. (۱) در جمهوری اسلامی نیز بتدریج، سیاستهای اقتصادی به سوی گرایشهای لیبرال سرمایه داری هدایت شدند. سیاستهای تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی، بازار آزاد رقابتی، حذف یارانه ها و... که در واقع، القائات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به عنوان مراکز بین المللی فراگیر کردن سیاستهای اقتصادی نو - لیبرالیستی بودند، به گسترش فقر، بیکاری، تبعیض و بی عدالتی، سرمایه محوری و قداست پول، شکاف و اختلاف طبقاتی و ... منجر شدند. بنابراین، طبیعی است که در واکنش به این زمینه اقتصادی، برخی جریانهای اجتماعی طبقات پایین و متوسط در قالب گفتمان مارکسیستی، ساماندهی شده به تحرک واداشته شدند.

خمینی خود نیز در یک سخنرانی در سال ۱۳۶۲ پیش بینی کرده بود: "اگر نتوانیم اختلاف اقتصادی و نابرابری بین فقیر و



غنی را کم کنیم و مردم از اسلام مایوس شوند، هیچ چیز نمی تواند جلوی طغیان را بگیرد و ما همه مان با هم نابود می شویم." (ب) مارکسیسم دارای تجربه بلندمدت حضور اجتماعی نیرومند در ایران است. در دهه های سی، چهل و پنجاه، به ویژه اوایل قیام، گفتمان مارکسیستی از بدنه اجتماعی پر دامنه و گسترده ای برخوردار بود. جریانهای مارکسیستی در طول چندین دهه حیات

اجتماعی در ایران، اندوخته ها و تجربیات ارزشمندی درباره فرازها و فرودها و نحوه بازیگری در جامعه ایران انباشته کرده اند.

جالب توجه است که شروع فعالیت احزاب و احزاب پارلمانی در ایران با احزاب سوسیالیست آغاز شده است. به عبارت دیگر این احزاب سوسیالیست هستند که جناح چپ و راست را در مجلس تشکیل می دهند. منتها یکی تحت عنوان حزب تندرو (اجتماعیون عامیون) و دیگری تحت عنوان حزبی میانه رو (اجتماعیون اعتدالیون) (۲)

پس از قیام، تابوی خمینی که حتی تا مرحله خدایی بالا رفته و مریدانش چهره او را در ماه می دیدند، شکسته شد و تا سال ۵۹ حمایت از خمینی در دانشگاهها از میان رفته بود. دانشگاهها هر روز بیشتر و بیشتر محور مخالفت با رژیم می شدند. این بود که رژیم تصمیم گرفت تمام دانشگاهها را برای مدت ۲ سال از فروردین ۵۹ تعطیل کند. پس از بازگشایی، کمونیستها و کسانی که مشکوک به هواداری از عقاید کمونیستی بودند، اجازه تحصیل یا تدریس در دانشگاه را نداشتند.

(ج) عمده ترین مفاهیم مارکسیستی معطوف به عدالت خواهی، برابری طلبی و رفع ظلم و استثمار است. چنین مفاهیمی، مقتضای فطرت انسانها است، چرا که انسان بنابر نهاد خویش، خواستار عدالت و برابری است. از این رو، شعارها و آرمانهای مارکسیستی، علاوه بر زمینه اجتماعی، دارای زمینه انسانی نیز هستند

جامعه ما در طول یکصد سال اخیر همواره با خفقان و فقدان آزادی و ممنوعیت احزاب و تشکلهای و انتخابات آزاد روبرو بوده است. همچنین، در سه دهه اخیر قوانین ضد بشری منبعث از احکام قرون وسطایی ارتجاع اسلامی و آخوندیسم، زنان ما را در شرایطی نابرابر قرار داده و همزمان وجود تضاد طبقاتی معضل همیشگی جامعه ایران بوده است.

در جامعه ای که بی عدالتی، تبعیض، استثمار و ظلم وجود دارد، روشن است که شعارها و مطالبات مارکسیستی، مدافع و هوادار پیدا می کند. در این راستا، شعار "آزادی و برابری" که ممیزه و شعار اصلی جنبشهای مارکسیستی است، نشان از درک درست اندیشه های مارکسیستی از شرایط روز جامعه دارد و این امر از چشمان تیزبین و حقیقت طلب دانشجویان پنهان نمی ماند.

نباید فراموش کنیم که خود خمینی نیز تنها با استفاده از ترمهای چپ و عوام فریبی "ضدامپریالیستی" به محبوبیت رسید. او و رژیمش به جای دم زدن از اصول اسلامی، از واژگان سوسیالیستی عاریه گرفته، شعارهایی اتخاذ کردند مثل

"اسلام متعلق به مستضعفین است و نه مستکبرین"، "اسلام نماینده زاغه نشینان است و نه کاخ نشینان"، "مستضعفین جهان متحد شوید"، "ما طرفدار اسلامیم، نه سرمایه داری و فئودالیسم"، "اسلام اختلافات طبقاتی را از بین می برد" و غیره.



د) جامعه ایران خواه ناخواه دارای بستری مذهبی بوده و بیش از سه دهه است که جمهوری اسلامی سعی در القا و خوراندن مفاهیم و احکام قرون وسطایی اسلامی در میان جوانان و به ویژه دانشجویان دارد. اما فقدان نظریه اجتماعی و سیاسی دینی و گنبدگی شدید و بی لیاقتی بوروکراسی آخوندی بر شمار روی آوردگان به اردوگاه چپ و اندیشه مارکسیستی افزوده است. آنجا که دین دولتی و احکام اسلامی درباره آرمانهای اجتماعی و اصلاح جامعه بشری برنامه نداشته و یا ناموفق بوده است، بالطبع توده های مردم به خصوص زنان و قشر تحصیلکرده جامعه که تشنه عدالت و در پی احقاق حقوق اجتماعی است، به سوی اندیشه های ناب

مارکسیستی گرایش می یابند. این در حالی است که مارکسیستها به نظریات کلاسیک ارایه شده توسط کارل مارکس بسنده نکردند، بلکه همواره دست به بازتولید مداوم و مستمر مفاهیم و نظریه ها، برای همسویی هرچه بیشتر با واقعیتهای اجتماعی جدید جهان زده اند. شعارهای توخالی و دروغین خمینی از جمله "مستضعفان"، "محرومان"، "پابرهنگان"، "جنگ فقر و غنا"، "سرمایه داران زالو صفت"، "استکبارستیزی" و... که از سوی حوزه و مبلغان حکومتی بسط می یافت و تبیین می گردید، روزبه روز رسوا تر می شد، زیرا وضعیت جامعه همراه با نوع زیست روحانیت مرتجع که یادآور روحانیت درباری در رژیم فاسد گذشته بود، از چشمان تیزبین دانشجویان دور نمی ماند.

و) خطای تاکتیکی رژیم در تحلیل شرایط جامعه و خطرناک ندانستن اندیشه های مارکسیستی برای موجودیت و بقای خود یکی از دلایل دیگر برای رشد اندیشه های مارکسیستی در میان دانشجویان است. زمانی بود که بسیاری از اقشار جامعه، زن و مرد و جوان و پیر به دلیل خواندن کتابهای کلاسیک مارکسیستی به جوخه های اعدام سپرده می شدند. پس از کشتارهای دهه شصت که مارکسیستها درصد بالایی از قربانیان آن بودند، رژیم تشنه قدرت با فرض اینکه با سرکوب گروهها و سازمانهای چپ و همچنین ممنوع کردن احزاب سیاسی، اندیشه های ناب مارکسیستی از بین رفته است و از طرفی به باور تحلیلگران و تیوریسینهای نظام، خطر لیبرالیسم سیاسی و سوسیال دموکراسی بیشتر از اندیشه های مارکسیستی است، با تجدید چاپ کتابهای کلاسیک مارکسیستی موافقت کرده و راه جوانان مشتاق و به ویژه قشر خلاق و پرسشگر و تشنه دانایی دانشجویان برای مطالعه کتب مارکسیستی و بروز اندیشه های مارکسیستی در جامعه هموار شد. در این پروسه، مناسبات جمهوری اسلامی با کشورهای به ظاهر کمونیستی آمریکای لاتین و روسیه و چین موثر بود، ولی

حاکمان نمی دانستند که مارکسیستها از سازش ناپذیرترین و ظلم ستیزترین جنبشهای مردمی می باشند که کاخ آنان را متزلزل خواهند کرد.

ز) از دیگر عوامل موثر بر سربرآوردن مجدد گرایشهای مارکسیستی در دانشگاههای ایران، اندک فضای باز سیاسی و حاکمیت یافتن پلورالیسم سیاسی در دوران دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۸۴) بود.

جنبش دانشجویی در اواخر دهه ۷۰ فرصتی برای ظهور حول کارزار ریاست جمهوری محمد خاتمی پیدا کرد. فقدان آلترناتیو توده ای، دانشجویان و جوانان را مجبور کرد از تریبون این گویا "اصلاح طلب" برای ابراز خواسته ها و خشم و نارضایتی خود از رژیم استفاده کنند. اما خاتمی خود بخشی از هیات حاکمه بود. او حتی نمی توانست کوچکترین بهبودی در حقوق دموکراتیک مردم ایجاد کند. در آغاز ریاست جمهوری اش جنبش توده ای که در زمان کارزار انتخاباتی وی به راه افتاده بود، آرام بود، به او وقت می دادند تا خودش را ثابت کند. اما در سال ۱۳۷۸ فشار از حد گذشت. به غیر از کمی شل کردن مقررات حجاب، هیچ تغییر بنیادینی صورت نگرفته بود. سرکوب و فقر ادامه داشت و فساد رژیم به اندازه همیشه بود. تظاهرات بزرگ بین جوانان پا گرفت و بسیاری از افراد طبقه متوسط را که روزگاری پایگاه اجتماعی رژیم بودند، نیز به خود جلب کرد. جنبش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ که برای اولین بار رژیم آخوندها را تکان داد، با سرکوب شدید مواجه شد. به ویژه بزدلی خاتمی، جنبش را خلع سلاح کرد چرا که باعث شد بخشهای کلیدی جنبش مردم شوند. اما شکست، شکستی بسیار گرانبها بود. اینگونه "اصلاح طلبان" و حتی ایده ی اصلاحات در چارچوب نظام بی اعتبار شد. مشکل اصلی این بود که هیچ سازمان توده ای آلترناتیوی نبود که توده ها را پیش براند. گرچه تمام عوامل عینی برای انقلاب آماده می شد، عامل ذهنی، یعنی حزب انقلابی چپ غایب بود.

در این بزنگاه تاریخی، گروههای مارکسیستی خارج از دانشگاه، چنین فرصت و فضایی را مغتنم شمردند و سعی در سازماندهی و هدایت نیروهای خود در دانشگاهها کردند. سرمایه گذاری تدارکاتی و سازمانی جریانها و گروههای چپ خارج از دانشگاه موجب گردید به تدریج، تحرک سیاسی و ایدئولوژیک گرایشهای مارکسیستی در دانشگاهها در اواخر دهه هفتاد شکل گیرد.

(۱) رحیم نامور/ برخی ملاحظات پیرامون مشروطیت. بی تا، انتشارات چاپار ص ۶۵

(۲) علیرضا اقبالی/ مقدمه بر تشکیل سرمایه و تفکر اقتصادی احزاب و گروههای سیاسی در ایران. تهران: چاپخش، ۱۳۸۱ ص ۷۲

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- هر گاه عکسهای رهبران در اماکن عمومی بزرگتر از اندازه تمبر پستی شود، خطر دیکتاتوری حتمی است (ولادیمیر ناباکوف، ۱۸۹۹-۱۹۷۷، نویسنده رمان، داستان کوتاه، مترجم و منتقد چندین زبانه روسی - آمریکایی)
- رها کن خود را از بردگی فکری! هیچکس جز خود ما نمی تواند فکرمان را آزاد کند (باب مارلی، ۱۹۴۵ - ۱۹۸۱، خواننده، ترانه سرا، و فعال اجتماعی جاماییکایی)
- من اشخاص زنده را کسانی می بینم که مبارزه می کنند. بی مبارزه زندگی مرگ است (ویکتور هوگو، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵، شاعر، داستان نویس و یکی از بنیانگذاران مکتب رمانتیسیم. آثار او به بسیاری از اندیشه های سیاسی و هنری رایج در زمان خویش اشاره دارد)



سینما

تعلیق فیلم میلیاردی لاله

پروژه ساخت ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی "لاله"، به کارگردانی اسدالله نیک نژاد که بر اساس زندگی لاله صدیق است، به حال تعلیق درآمد. لاله نخستین راننده زن حرفه ای ایرانی است که با دشواری زیاد راه خود را در فضای مردسالار جامعه ایران و ورزش رالی باز می کند.

"مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی" با انتشار بیانیه ای نوشته است که کارگردان فیلم "ادعایی مبنی بر عدم مالکیت مرکز بر این پروژه سینمایی را مطرح کرده و صحبت از مالکیت یک کمپانی کانادایی به میان آورده". این درحالیست که "مرکز، خود را مدعی مالکیت این فیلم می داند."
مرکز یادشده غالباً فیلمهای کوتاه مستند می ساخت، اما جواد شمقدری در مقام معاون سینمایی وزارت ارشاد و رییس سازمان سینمایی، تولید این فیلم پرهزینه را به عهده گرفته بود. گفته می شود، در سالهای اخیر، ۹۰ درصد بودجه این سازمان به تنها سه فیلم از جمله فیلم "لاله" اختصاص یافته بوده است.

اهدای نشان عالی فرهنگی فرانسه به دو فیلمساز آمریکایی

جوئل و اتان کوئن، برادران فیلمساز آمریکایی، در مراسمی در پاریس بالاترین نشان عالی فرهنگی فرانسه را دریافت کردند. این دو برادر برای فیلمهای "جایی برای پیرمردها نیست" و "فارگو"، چهار جایزه اسکار برده اند.
هشت فیلم از فیلمهای برادران کوئن نخستین اکران خود را در جشنواره سینمایی کن داشت و فیلم "بارتن فینک"، ساخته این دو برادر، در سال ۱۹۹۱ برنده نخل طلای این جشنواره شد.



تازه ترین فیلم آنها "درون لوین دیویس" نیز جایزه بزرگ هیات داوران را از جشنواره کن امسال دریافت کرد.



انتخاب "عالم دینی" تازه در شورای نظارت بر پروانه ساخت

موج انتصابات و تغییرات در "سازمان سینمایی" با تغییر مجدد اعضای شورای نظارت بر پروانه ساخت ادامه دارد. با استعفای شهاب مرادی و بنا بر اصرار مدیران سازمان سینمایی به حضور یک «عالم دینی» در این شورا، روحانی دیگری به نام طه مرقاتی جایگزین وی شد.

جشنواره حقوق بشر افغانستان

برندگان دومین جشنواره بین المللی فیلم حقوق بشر افغانستان، اعلام شدند و هیات داوران به هشت فیلم در بخشهای اصلی رقابت جشنواره جایزه دادند. فیلم مستند "افغانستان کوچک"، ساخته بصیر سیرت، فیلمساز افغان، و فیلم کوتاه داستانی "آخرین رییس جمهور"، اثر محمد جمیل ژاله، برندگان دومین جشنواره بین المللی فیلم حقوق بشر در بخش داخلی جشنواره اعلام شدند. ۲۳ فیلم دیگر نیز به نمایندگی از سینمای افغانستان در این جشنواره رقابت کردند.



در بخش دانشجویی جشنواره، فیلم کوتاه "سعادت به مزار می رود"، کار مشترک ویس سنجر و خادم حسین بهنام، مقام اول، فیلم کوتاه "خروپف"، ساخته محمد عارف محبی، مقام دوم و فیلم کوتاه "نامه ای از پسر من"، مقام سوم را گرفتند. همچنین فیلم بلند داستانی "حتی اگر برای همه" از سینمای ارمنستان، فیلم کوتاه داستانی "نامزد" از کانادا و مستند "در آرزوی هالیوود" از آمریکا، جایزه بخش بین المللی این جشنواره را از آن خود کردند. "جان برگان"، فیلمساز بریتانیایی که برای دآوری جشنواره از بریتانیا به کابل آمده است گفت، از تماشای فیلمهای این جشنواره حیرت زده شده است.

فیلمهای این جشنواره در سه بخش داخلی، خارجی و دانشجویی و در سه ژانر مستند، کوتاه و انیمیشن رقابت کردند. هیچ اثر انیمیشن در این جشنواره جایزه نبرد. روز پایانی جشنواره با حضور نزدیک به چهارصد مهمان خارجی و داخلی، اجرای نوازندگان افغان، رقص تکنو و اعطای جوایز پایان یافت.

کتاب

نویسنده رمان پر فروغها جوان ترین برنده جایزه بوکر شد

"النور کاتن" در ۲۸ سالگی جوان ترین نویسنده برنده جایزه بوکر شد. رمان ۸۳۲ صفحه ای خانم کاتن با عنوان "پرفروغها" (Luminaries) که داستانی است درباره جست و جوی معادن طلا در قرن نوزدهم، طولانی ترین



رمانی است که در تاریخ این جایزه ۴۵ ساله برنده شده است. رابرت مک فارلین، رییس هیات داوران، این رمان را "یک اثر شگفت انگیز، یک کار پرفروغ" خواند.

نویسنده کانادایی برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۳

آکادمی نوبل سوئد "آلیس مونرو"، نویسنده کانادایی را به عنوان برنده جایزه امسال ادبیات معرفی کرد. او سیزدهمین زنی است که برنده نوبل ادبیات شده است. داستانهای مونرو به موضوعات انسانی که بیشتر در زادگاهش "اونتاریو" می گذرد، اختصاص دارد. به این نویسنده ۸۲ ساله لقب "چخوف کانادا" داده اند.

آکادمی نوبل، نویسنده کانادایی را "استاد داستان کوتاه معاصر" لقب داد و از او بخاطر "داستانهایی که با ظرافت نوشته شده و ویژگی آنها روشنی و واقعیت روانشناختی است" تقدیر کرد. از جمله داستانهای تقدیر شده او "آدمهای کوچک و احساسات بزرگ" است.



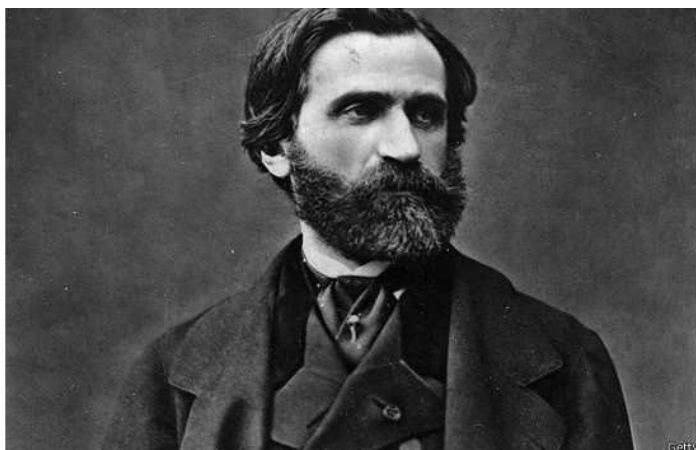
شماری از مجموعه داستانهای خانم مونرو به فارسی نیز ترجمه شده است، از جمله "گریزپا"، "پاییز داغ"، "رویای مادرم"، "دورنمای کاسل راک"، "عشق زن خوب"، "فرار" و "خوشبختی در راه است". مژده دقیقی، مترجم دو مجموعه از آثار آلیس مونرو است.

جایزه نقدی که به خانم مونرو تعلق می گیرد، هشت میلیون کرون سوئد، معادل ۱.۲۵ میلیون دلار است. جایزه سال گذشته را "موین"، نویسنده چینی برده بود.

حکم دادگاه استانبول در مورد نویسنده معترض

دادستانی در استانبول زندانی شدن یک نویسنده ترک را به مدت ۱۰ ماه تا ۱۲ سال به اتهام توهین به نخست وزیر، فرماندار استانبول و وزیر کشور خواستار شد.

"امراه سربس"، نویسنده ترک، در یک برنامه تلویزیونی یک بازی با کلمات راه انداخت و اسم میانی رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه را از "طیب" به "طازیک" تغییر داد. "طازیک" به معنای آب پرفشار است که استعاره ای به اقدامات پلیس ترکیه یعنی استفاده از آب پرفشار و شلیک گاز اشک آور علیه معترضان در جریان روز کارگر تلقی می شود. دادگاه جرایم جنایی استانبول این کیفرخواست را تایید و روند تحقیقات و بررسی این پرونده را آغاز کرده است



موسیقی

دویستمین سالگرد تولد وردی و واگنر، دو قطب محبوب اپرا

دنیای موسیقی امسال دویستمین سالگرد تولد "جوزپه وردی"، آهنگساز بزرگ ایتالیایی را جشن گرفته است. طنین موسیقی باشکوه او

اکنون بیش از هر زمان دیگری در تالارهای کنسرت دنیا پیچیده است. آهنگساز دیگری که دوستمین سال تولدش همزمان با وردی جشن گرفته شده، "ریچارد واگنر" است. از این دو آهنگساز که به فاصله شش ماه از یکدیگر به دنیا آمده اند، به عنوان دو قطب هنر محبوب اپرا در قرن نوزدهم یاد می شود. راز موفقیت هنر وردی در عصر رمانتیسم - بر خلاف واگنر که متن اپراهایش را خود می نوشت - استفاده از ملودرامهای عاشقانه و آزادیخواهانه نویسندگان محبوبی مثل "ویکتور هوگو"، "آلکساندر دوما"، "شیلر" و "لرد بایرون" و بازنویسی آنها به قلم اپرانویسهای خبره و با تجربه و تلفیق این همه با تواناییهای ذاتی و دراماتیک موسیقی خود بود. وردی به این ترتیب در آثار دوره میانی خود هم قلب توده ها را تسخیر می کرد و هم دل منتقدان را به دست می آورد.

پخش صدای زنان خواست خانه موسیقی

جشن چهاردهمین سال تاسیس "خانه موسیقی ایران" شامگاه دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۲ در تالار وحدت برگزار شد، داریوش پیرنیاکان، سخنگوی "خانه موسیقی" در حضور معاون وزیر ارشاد خواستار آزاد شدن صدای زنان در ایران شد. پیرنیاکان با اشاره به این نکته که در فقه اسلامی هیچ اثری از "حرام بودن موسیقی" نیافته است گفت: "۳۴ سال است که در عرصه موسیقی زمستان است. هنوز موسیقی را اینجا حرام می دانند. هیچ روایتی نیست که نشان دهد موسیقی حرام است و درست نیست که این خیل عظیم جمعیت شنوندگان موسیقی را نادیده بگیریم. از فقها می خواهم توضیح دهند در کجای دین موسیقی حرام اعلام شده است؟ به علاوه، خواسته مهم خانه موسیقی پخش شدن صدای زنان است."

دستگیری ۳۹ تن از هنرمندان کرمانشاهی

۳۹ تن از هنرمندان، نوازندگان، تصویر برداران، خوانندگان و دست اندرکاران هنر موسیقی در کرمانشاه، هرکدام به ۱ سال حبس تعزیری و ۱۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شدند. طی سال گذشته ۵۸ تن از هنرمندان کرمانشاهی که غالباً در کار موزیک زیرزمینی و برگزاری جشنهای عروسی فعالیت داشتند، بازداشت شدند. اکثر این افراد ابتدا توسط تلفن به نهادهای امنیتی احضار و بازداشت گردیده بودند.

نقاشی

بنکسی، هنرمند

خیابانی

"بنکسی" (نام مستعار)،

مشهورترین هنرمند

خیابانی است که تعدادی

از آثار او بین پانصد هزار

تا یک و نیم میلیون دلار

در حراجیها فروخته شده

است. او در اعتراض به

تجارت کلان با آثار



هنری اش، نقاشیهایش را به دست یک نفر می دهد تا در کنار خیابان به عابران بفروشد. در آخر روز ۴۲۰ دلار به فروش رفت و تعداد زیادی از آثار هم که ۶۰ دلار قیمت گذاشته شده بود، خریدار پیدا نکرد.



بنکسی با دیوارنگاره هایی که در بریستول و سپس لندن رسم کرد، به شهرت رسید و چون دیوارنگاری به دلیل آسیب رسانی به اموال عمومی جرم محسوب می شود، سالها فعالیت پنهانی داشته است. این هنرمند معترض تاکنون در برابر دوربینهای عکاسی و تلویزیونی ظاهر نشده و کسی چهره او را ندیده است. در سال ۲۰۱۱ فیلمی مستندی از او نامزد اسکار بهترین مستند شد.

"این من نیستم" نا نمایشگاه نقاشی کودکان کار

نمایشگاه نقاشیهای کودکان کار که از تاریخ ۱۴ مهرماه در فرهنگسرای آفتاب با نام "این من نیستم" آغاز شد، تا تاریخ ۲۳ مهرماه ادامه داشت. عواید این نمایشگاه که به همت "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان" در فرهنگسرای آفتاب برگزار شد، به کودکان کار اختصاص یافت.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

اجلاس دو روزه شورای ملی مقاومت ایران

اجلاس شورای ملی مقاومت در روزهای بیست و هشتم و بیست و نهم مهر ماه با حضور خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا، برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، برگزار شد. پس از اجرای جمعی سرود «ای ایران ای مرز پرگهر»، سرود رسمی شورای ملی مقاومت، خانم رجوی در سخنان افتتاحیه خود، ضمن خیر مقدم به حضار، به همه اعضای شورا که در زندان لیبرتی هستند، به ویژه به اعتصاب غذاکنندگان در لیبرتی و هم چنین در ژنو، اتاوا، ملبورن، برلین و لندن درود فرستاد و پایداری آنها را در کارزار جهانی برای آزادی گروگانهای اشرافی و تأمین امنیت ساکنان لیبرتی ستود و ابراز امیدواری کرد که وضعیت بسیار سخت و دردناک اعتصاب غذای طولانی هرچه زودتر خاتمه پیدا کند.

خانم رجوی گفت: این اجلاس را در حالی برگزار می کنیم که خاطره تابناک ۵۲ قهرمان شهید اشراف در همه جا و به خصوص در اجلاس شورا می درخشد، به خصوص که ۱۷ تن از آنها اعضای شورای ملی مقاومت بودند. جانفشانی آنها یک بار دیگر ثابت کرد که این شورا، جایگزینی است که برای تحقق برنامه ها و طرحها و برای رسیدن به اهدافش در مسیر

آزادی، سنگین ترین بها را می پردازد، جایگزینی است که اصالت و مبنای مشروعیت آن، مقاومت در برابر فاشیسم دینی به هر قیمت است.

خانم رجوی درباره شقه مرگبار دشمن پس از شکست مهندسی خامنه ای در نمایش انتخابات و بحران حاد درونی و مانورهای دیپلماتیک رژیم، خاطرنشان کرد که آخوندهای حاکم، هراسان از فوران خیزشها در جامعه به ستوه آمده و نگران از فروپاشی جبهه منطقه یی و عمق استراتژیک ولایت فقیه در عراق و سوریه، به هر جنایت و نیرنگی دست می زنند تا مفری بجویند، اما از تهدید اصلی و از صورت مسأله واقعی ایران که نبرد و پیکار ملتی است مصمم به سرنگونی استبداد مذهبی و کسب آزادی، که این جایگزین هم برای آن به وجود آمده و برای آن مبارزه می کند، گریزی ندارند.



اجلاس شورا در بحثهای دو روزه خود، جنایت علیه بشریت در روز ۱۰ شهریور در اشرف، تحولات درونی رژیم پس از نمایش انتخابات و مذاکرات اتمی با کشورهای ۱+۵ و تحولات منطقه و تأثیرات آن در رویارویی مقاومت با دشمن را مورد بحث قرار داد.

شورا اعدامهای جمعی در اشرف توسط حکومت مالکی را که به دستور خامنه ای صورت گرفت، یک جنایت بی سابقه علیه بشریت در منتهای شقاوت و دنائت ارزیابی کرد که در عین حال ترس و وحشت شدید دشمن را از جنبش مقاومت بارز می کند. به خصوص در شرایطی که خطر حملات نظامی به دیکتاتور خون آشام سوریه بعد از کشتار شیمیایی در دمشق و درهم شکستن عمق استراتژیکی رژیم در منطقه به شدت بالا گرفته بود و عراق نیز شاهد گسترش شعله های قیام و خیزش به استانهای شیعه نشین جنوبی علاوه بر استانهای سنی نشین و به پاخاسته غرب و شمال این کشور بود.

از همین رو، خامنه ای در وادار کردن مالکی به لگدمال کردن کنوانسیونها و قوانین بین المللی و قراردادهای و توافقات مشخص خود با ملل متحد و آمریکا و حمله وحشیانه به اشرف درنگ نکرد. هم چنان که در ۲۵ خرداد، همزمان با اعلام نتایج انتخاباتی که با شکست مهندسی خامنه ای خاتمه یافت، لیبرتی را هدف حمله موشکی قرار داد.

اجلاس شورا هم چنین تأکید کرد که سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا هرگز نمی توانند از قبول مسئولیتهای اخص خود در رابطه با چنین جنایتی علیه افراد حفاظت شده که طبق معیارهای حقوقی جنایت جنگی و جنایت علیه جامعه بین المللی است، شانه خالی کنند. در این خصوص، بی عملی آنها در قبال جنایتها و حملات وحشیانه پیشین و حتی پیگیری نکردن یک تحقیق مستقل بین المللی، به رغم فراخوانهای متعدد خودشان، قابل چشم پوشی نیست.

اجلاس شورا با تأکید بر تعهدات غیر قابل انکار آمریکا و ملل متحد طبق قرار دادها و قوانین و اسناد مسلم حقوقی، خاطرنشان کرد که در حال حاضر نیز رئیس جمهور آمریکا و دبیرکل ملل متحد و دیگر مقامهای ذیربط تمام مسئولیت آزاد سازی گروگانها، تحقیق مستقل بین المللی در خصوص جنایات صورت گرفته، تضمین جلوگیری از تکرار جنایت و تأمین

حفاظت لیبرتی با استقرار تیم مانیتورنگ و کلاه آبیهای ملل متحد را بر عهده دارند. شورای ملی مقاومت آنها را به اجرای بلادرنگ تعهدات و وظایفشان در این زمینه های مشخص فرا می خواند. هم چنانکه مسئولیت سلامت و حفظ جان اشرافیهای در حال اعتصاب غذا در لیبرتی و هموطنان اعتصابی در نقاط مختلف جهان را بر عهده آنها می داند. در چنین شرایطی سکوت و بی عملی، طبق رویه ها و اسناد معتبر حقوقی، می تواند همدستی در جنایت محسوب شود.

در بررسی پیامدهای نمایش انتخابات رژیم، شورا ارزیابیهای بیانیه سالانه - منتشر شده در ۱۴ مرداد امسال - را مورد تأکید قرار داد. درحقیقت روند تحولات نشان داد که بعد از شکست مهندسی خامنه ای در نمایش انتخابات، «عمود خیمه نظام» شکننده تر و بحران و شقه حاکمیت تشدید شده است.

در ورای بالا گرفتن نمایشها و دود و دم میانه روی و اعتدال و به جوش آمدن دیگ طمع اصحاب مماشات، پیامدهای فضاحت بار مکالمه آخوند روحانی با اوباما - که اعتراض علنی شخص خامنه ای و رگباری از حملات سیاسی و حتی فیزیکی مانند کفش پرانی را به دنبال داشت - و هم چنین، جنگ و جدال حادی که بعد از مذاکرات ژنو سراپای رژیم را فرا گرفته، نشان دهنده شدت یابی بحران مرگبار در درون رژیم است.

درحالی که خامنه ای و باند غالب نظام در مانورهای دیپلماتیک «تحمیلی»، در صدد وقت کشی هستند و برای رقبای حکومتی سرخطهای مختلف ترسیم می کنند، رفسنجانی و باند مغلوب، که به بخشی از قوه مجریه نیز دست یافته اند، چاره حفظ نظام را با تشبیه صریح آن به مقطع پایانی جنگ هشت ساله، در خوراندن جام زهر اتمی به ولی فقیه درمانده جستجو می کنند.

در این میان تا آنجا که به مردم و مقاومت ایران مربوط می شود، نرمش قهرمانانه ولی فقیه و اعتدال رئیس جمهور جدید ارتجاع، چیزی جز ۲۵۰ اعدام در سراسر ایران - که بسیاری از آنها در وحشیانه ترین اشکال در ملأ عام صورت گرفته - و چیزی جز احکام مجازاتهای وحشیانه و ضد انسانی مثل بریدن گوش و درآوردن چشم و البته قتل عام و اعدامهای جمعی قربانیان با دستهای بسته در اشرف و موشک زدن به لیبرتی برای کشتار جمعی، به همراه نداشته است.

در بحثهای اجلاس دو روزه پیرامون جنایت علیه بشریت در اشرف، شورا بسیج تبلیغاتی دیکتاتوری آخوندی علیه مقاومت در ماههای اخیر را که به صورت چنگ انداختن بر روی مسئول شورا و رزمندگان اشرف و لیبرتی متمرکز شده بود، به طور مشخص توطئه های برنامه ریزی شده رژیم که از این پیشتر شورا بر آن انگشت گذاشته بود، ارزیابی کرد. این حمله به وضوح نشان داد که دشمن چه نیات شومی را برای از میان برداشتن مقاومت سازمانیافته و یگانه جایگزین دموکراتیک درس داشته است.

اجلاس شورا با درود به شهیدان پرافتخاری که روز ۱۰ شهریور در اشرف به خاک افتادند، بر آن بود که به رغم تمام شقاوت و نیرنگ دشمن، نشانه های شکست توطئه بزرگ، در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی و بین المللی، از هم اکنون بارز شده است. برخلاف محاسبه دیکتاتوری در حال سقوط، جنایت پرشقاوت در اشرف، از قضا تکانه و خیزشهای جدیدی را در عرصه های مختلف پیکار آزادی بر می انگیزد و شعله های رزم و مقاومت برای سرنگونی استبداد خون آشام دینی را فروزانتر می کند. درخشش فدا کاری و پایداری رزمندگان اشرافی بستر اجتماعی و سیاسی مساعدی را برای گسترش فعالیتهای مقاومت در میان هموطنان و تقویت همبستگی ملی ایجاد کرده است.

خروش هموطنانمان که در این روزها در کارزار جهانی برپا شده پس از ۱۰ شهریور طنین دارد و بازتابهای سیاسی و اجتماعی پایداری حماسی اشرف در داخل میهن اسیر، از اعماق زندانها تا کوچه و خیابان و تا محافل سیاسی و مبارزاتی، نشان می دهد که در رویش «یک، دو، سه، صد و هزار اشرف» برای پیشبرد آرمان سرنگونی جای تردید نیست.

جنبش مقاومت اکنون پیکار آزادی را مستحکمتر و قدرتمندتر به پیش می برد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳۰ مهر ۱۳۹۲

“کاشفان شوکران“

م . وحیدی (زندانی لیبرتی)

شهریور ۹۲



وینان
دل به دریا افکنانند
برپا دارنده آتشیها
زندگانی
پیشاپیش مرگ
هماره زنده
از آن سپس که با مرگ
و همواره بدان نام
که زیسته بودند ...
با جا پایی ژرفتر از شادی
در گذرگاه پرندگان
در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند

اشاملو

خلق ستمدیده و توده های بجان آمده ایران، امروز، یکی از سیاهترین صفحات تاریخ خود را رقم می زنند. تاریخی پر از رنج و شقاوت و خون و سراسر از نامردمی و جنایت و فریب، که در دوران معاصر بی نظیر است. سخن از جهانی است که تابع مکانیک ساده معامله و کسب و کار و زد و بند و مردم ستیزی است و فهمیدن دیالکتیک تکامل تاریخی برای دیکتاتور ها سخت دشوار است.

در این روزگار نابرابر که ارزشهای بشری لگد کوب سرمایه و سُم ستوران شده است، انسان ماندن در درجه نخست به معنای جنگیدن در برابر ستم زمانه و هرآنچه که ضد بشری است، مفهوم واقعی خود را پیدا می کند. حاکمیت ولایت فقیه دشمن انسان است و هدفش انهدام عالیترین صفات و ارزشهای انسانی و متزلزل ساختن آرزوها و امیدها و نهادینه کردن ارزشهای کاذب و سخیف و ارتجاعی در میان جامعه و جهان است.

رژیم پوسیده و از نفس افتاده آخوندی، اگر چه در تمامیتش به پایان راه خود رسیده و شکست کامل استراتژی و ایدئولوژیک خود را تجربه می کند، اما همچنان در لحظات آخر، برای بقای خود با سر و دم و چنگالها و دندانهایش، خون می ریزد، می دزد، پاره پاره می کند و شبانه روز زوزه مرگ می کشد.

حمله غافلگیرانه مزدوران تحت امر ولایت موسوم به لشکر "کثیف" مالکی، در صبحگاه سرخ فام دهم شهریور به اشرف و طرح کشتار — با گروهان گرفتن تمامی صد تن فداییان اشرف و استرداد آنان به رژیم — با افشا و شکست خفتبار

روبرو و رسوایی و ننگ دیگری را دامنگیر ملایان و دولت دست نشانده اش در عراق از یک سو و سازمان ملل و دولت امریکا از طرف دیگر کرد.

هدف شوم این مجموعه این بود که در نهایت حتی یک نفر باقی نماند تا خبر این جنایت را به بیرون درز ندهد و یا حتی یک عکس از صحنه های هولناک این جنایت در جهان منتشر نشود.

تصاویر پخش شده، با صورتهای پوشیده مزدوران، حرکات و اعمال موزون و حساب شده آنان در حین حرکت، نصب صدا خفه کن بر روی سلاحهایشان در ورود از خاکریزهای اشرف، به خوبی نشان دهنده ابعاد این جنایت و گواه این ادعاست. تروریسم وحشیانه و افسارگسیخته فاشیسم مذهبی اما، چون دهها کشتار جمعی دیگر، از جمله قتل عام سی هزار تن از زندانیان بی دفاع در سال ۱۳۶۷، باید به عنوان جنایت علیه بشریت در محاکم قضایی جهان و در پرونده سیاه و ننگین این آدمکشان به ثبت رسمی برسد. همچنین جهان بیدرنگ باید بکوشد تا هفت گروگان اشرفی قبل از استرداد به رژیم آخوندی از چنگ مالکی رهایی یابند.

واقعیت این است که اعتبار و شناسایی مجاهدین و مقاومت مردمی در سطح بین المللی و حمایت بی شائبه مردم ایران از مقاومت و مجاهدین، "اسلام عزیز" را مستاصل و در مانده و ناچار به این حمله جنون آسا نمود.

بنابراین، این عمل نه به مثابه قدرت رژیم بلکه بعکس از سر ضعف و زبونی و ذلت رژیم بوده است. زوزه های ناتمام سرگردگان رژیم تنها وحشت و هراس روز افزون آنها در برابر نیروی سرنگون کننده یعنی مجاهدین و ارتش آزادی را بیان می کند. رژیم با آنچه که هست به مثابه یک واقعیت اصیل باید بجنگد. چرا که بقای خود را در فنای این واقعیت می بیند. اگر این واقعیت پابرجا نبود و تهدیدی برای رژیم نداشت، این گونه جنایتها هم اتفاق نمی افتاد. مجاهدین مقاومت می کنند و می جنگند، پس هستند.

امروز جوانان مبارز و مجاهد میهن و هر انسان آزادیخواه و آرمانگرا، از این مقاومت و انقلابیون آن الهام می گیرند و اینجا و آنجا هر روز فریادشان را کوبنده تر و رساتر می کنند. پیام خون ۵۲ شهید اشرفی به همه جا رفت و چون روشنایی صبحدم به همه جا نفوذ کرد و گسترده و جهانگیر شد. حال دشمن خلق و آزادی باید منتظر بماند تا تاثیر و ثمره این خونها را بچشد. بی تردید این قتل عام، مجاهدین را قویتر و صد چندان خواهد ساخت. پرچم داران مبارزه با فاشیسم مذهبی، با اراده و عزمی راسخ تر خواهند جنگید. چرا که آرمان آزادی و امیدواری به آرمان یک خلق، غیر قابل شکست است. خون سرخ آنان امروز چون آتشی از علفزاری به علفزاری دیگر می دود. مانند غبار گلی که از بادی، به باد دیگر سپرده می شود و طلیعه بهار را نوید می دهد.

به پیش! همراه خلق*

از میان شعله ها و دریاهای

نابود باد

آنکس که بگذارد

پرچم خلق فرو افتد

تلاش فاشیسم آخوندی، در به عقب ننگه داشتن عقربه تاریخ به جایی نخواهد رسید. آینده از آن انقلابیون و کسانی است که به آینده می اندیشند.

سلام بر خلق

سلام بر آزادی

*شاندرپتوفی

فراسوی خبرها...

یک قانون شرم آور دیگر علیه کودکان دختر

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۹ مهر

خبر تصویب قانون ازدواج سرپرست در نقش پدر با فرزند خوانده در مجلس ارتجاع موجی از تنفر در میان مردم برانگیخته است. به راستی جمهوری اسلامی شرم آورترین و تنفرآمیزترین رابطه های اجتماعی از میان افشار عقب افتاده و ناآگاه جامعه را به رو کشیده و آن را قانونی و نهادینه می کند.

قوانین جمهوری اسلامی بر تبعیض، نابرابری و برده کردن انسان بنیان گذاشته شده است. جایگاه زن در قانون رژیم ولایت فقیه نه به مثابه یک انسان بلکه نیمی از انسان تعریف می شود. واحد اصلی جامعه خانواده و رئیس خانواده مرد است. بر همین اساس دیه مرد دو برابر زن و حضانت فرزندان به مرد و پدر خانواده حق تنبیه کودک خود تا سر حد مرگ را دارد.

تصویب قانون ازدواج فرزند خوانده با سرپرست او، قانونی ارتجاعی و ضد انسانی است. این قانون یک قانونی بی رحمانه علیه دختران است. در این قانون دختر خردسال خرید و فروش می شود. به این معنا چون پدر خوانده او را به سرپرستی برگزیده و خرجش را می دهد پس می تواند بر بدن او دست یابد. یعنی مجلس ارتجاع به مردان اجازه می دهد که در مقابل نان دادن به کودکان بی سرپرست، صاحب بدن آنها شوند. این گونه قوانین فقط از ذهن افراد روانی و ارتجاعی همچون پایوران دیکتاتوری ولایت فقیه ترشح می شود. شرم بر آنها باد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع در دفاع از این قانون ارتجاعی می گوید: «در گذشته فرزند خوانده بدون هیچ شرط و محدودیتی می توانست با سرپرست خود ازدواج کند.» وی می گوید: «ما به لحاظ شرعی نمی توانیم این شکل ازدواج را ممنوع کنیم اما می توانیم مصلحت فرزند خوانده را در نظر بگیریم.» مجلس نشینان ارتجاع «مصلحت» را نه در باز داشتن مرد از این کار بلکه قانونی کردن این عمل تشخیص دادند. البته لازم به توضیح است بر اساس این قانون مصلحت را حاکم شرع که قیم این کودک بی سرپرست است، تعیین می کند.

این قانون ارتجاعی بازتاب گسترده ای از نظر غیر انسانی بودن آن داشته و برای تایید به شورای نگهبان ارتجاع فرستاده شده است.

"تغییر تاکتیک" جمهوری اسلامی به معنی "تغییر روش" نیست

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۳ مهر

در حالیکه طرف حسابهای خارجی رژیم به سخنان حسن روحانی با شک و تردید می نگرند، جامعه ایران با ادامه خشونتها علیه خود یقین پیدا می کند که "تغییر تاکتیک" هیچگونه "تغییر روشی" را در بر نداشته است.

در سطح بین المللی، سعود الفیصل، وزیر خارجه کشور عربستان سعودی اعلام کرد که ریاض از اظهارات مقامهای ایرانی استقبال می کند، اما به گفته وی این اظهارات را باید در عمل سنجید. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، از طریق رادیوی فارسی زبان انگلیس در پیامی مستقیم به حسن روحانی می گوید که "اسرائیل ساده لوح نیست" و تصمیم گیرنده اصلی در ایران، آیت الله علی خامنه ای است. وندی شرم، رییس هیات مذاکره کننده آمریکا در گروه ۵+۱ نیز فقط گامهای عملی و قابل تایید را راهی به سوی لغو تحریمها به حساب می آورد. همچنین جان کری، وزیر خارجه آمریکا می گوید "حرف نمی تواند جایگزین عمل شود" و تاکید کرده که راه اثبات "حسن نیت" جمهوری اسلامی باز کردن درب تاسیسات هسته ای خود به روی بازرسان است.

این در حالیست که رژیم جمهوری اسلامی و گرداننده اصلی آن خامنه‌ای، "حسن نیت" خود را در داخل کشور روزانه به اثبات می‌رسانند. اگر طرفهای خارجی به خود زحمت می‌دادند تا از این زاویه و در این آینه، هستی و هویت رژیم را بررسی و نگرش کنند، بهتر می‌توانستند به شک و تردیدهای خود سر و سامان دهند.

تنها یک نمونه آن شدت گرفتن اعدامها در ایران است. بر اساس اعلام مرکز آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ۱۲۹ نفر از زمان روی کار آمدن روحانی در ۱۲ مرداد ماه تا ۱۱ مهر در ایران اعدام شده‌اند. با این حساب پس از روی کار آمدن روحانی، هر روز دو نفر در ایران اعدام شده‌اند. یکی از اعدام شدگان نوجوان و هفت نفر زن بوده‌اند و ۱۷ نفر در ملاء عام اعدام شده‌اند. ۵۱ نفر از اعدام شدگان به صورت مخفیانه به قتل رسیده‌اند و گروه‌های حقوق می‌گویند که ۴۲ درصد از اعدامها پس از روی کار آمدن روحانی، مخفیانه صورت گرفته‌است. موج جدید اعدامها تا کنون با واکنش هیچ جناح و باند و دسته‌ای درون رژیم جمهوری اسلامی روبرو نشده‌است.

جمهوری اسلامی تنها تحت فشار و برتری طرفهای مقابلش مجبور به عقب نشینی و یا تغییر روش خواهد شد. مبارزه، مقاومت، افشاگری و روگردانی از رژیم در همه زوایای زندگی روزمره تنها راه غلبه بر حکومتی است که حیات خود را در پروژه‌های مخرب و جنایتکارانه می‌بیند. سکوت جامعه جهانی در برابر جنایتها و یا بشمار نیابردن نقض حقوق بشر در ایران به عنوان بخشی از سیاست کلی رژیم نیز به پیشبرد هیچ هدفی کمک نخواهد کرد.

نرمش قهرمانانه در پیچ و تاب شعارهای مرگ بر آمریکا

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۴ مهر

صحبت‌های ولی فقیه در روز شنبه ۱۳ مهر و شعار «مرگ بر آمریکا» در نماز جمعه روز ۱۲ مهر کام کسانی که به «تدبیر» روحانی و یک گفتگوی تلفنی با اوباما برای حل بحران جمهوری اسلامی دل خوش کرده‌اند را تلخ کرد. اولین نماز جمعه بعد از اجرای پرده اول «نرمش قهرمانانه» در آمریکا، با شعار مرگ بر آمریکا و لگد کردن پرچم آمریکا و عکس اوباما به صحنه آمد. عکس رفسنجانی که در روزهای اخیر بار دیگر خمینی را به وسط ماجرا کشیده، به نشانه مخالفت در دست شعاردهندگان قرار داشت. رفسنجانی در کتاب خاطراتش به نام «صراحت نامه» نوشته‌است که خمینی با حذف شعار مرگ بر آمریکا موافق بوده‌است. این جمله همزمان با اعلام نرمش قهرمانانه از طرف خامنه‌ای بار دیگر مطرح شد.

خامنه‌ای در هنگام سفر روحانی به نیویورک، با اعلام سیاست «نرمش قهرمانانه» برد را برای خود و باخت را برای طرف مقابل در نظر گرفت. وی برای حفظ باندهای رژیم چاره‌ای جز اعلام این سیاست نداشت. نرمشی که از آن تا کنون برداشتهای متفاوت شده‌است. در حالی که روحانی با سیاست برد-برد خود را وارد آزمونی برای برقراری رابطه کرده‌است. بر همین منظر اگر چه لابیهای جمهوری اسلامی تلاش فراوان کردند که صحبت‌های کلی روحانی را تبدیل به ماده‌ای به نفع جمهوری اسلامی در جهت رفع تحریمها در اولین فرصت کنند، اما گفتگوی تلفنی تنها دستاورد روحانی تا کنون بوده‌است.

صحبت‌های خامنه‌ای در روز شنبه ۱۳ مهر، مادی شدن سفر هیات روحانی برای سیاست برد - برد را هم به چشم اندازی دور تبدیل کرد. وی گفت «ما از تحرک دیپلماسی دولت از جمله سفر نیویورک حمایت می‌کنیم» ولی «برخی از آن چه در سفر نیویورک پیش آمد به نظر ما بجا نبود». روشن است که بخش مورد اعتراض خامنه‌ای گفتگوی تلفنی است. در حالی که گفتگوی تلفنی اوباما با روحانی به احتمال زیاد با توافق ولی فقیه صورت گرفته‌است. همچنین پرتاب لنگه کفش و شعارهای مرگ بر آمریکا و مخالفت‌های تا کنونی در رابطه با آن مکالمه تلفنی هم بدون صلاحدید خامنه‌ای صورت نگرفته‌است.

مجموعه رویدادهای یک هفته اخیر تاکید بر این است که سرانجام حل بحران اتمی رژیم با نوشیدن جام زهر توسط ولی فقیه می تواند قابل حل باشد. «خوش و بش» ها و یا گفتگوی تلفنی و صحبت‌های کلی تنها می تواند تحریمها را در کوتاه مدت به میزان اندک شل و سفت کند. چالش اصلی جامعه جهانی با رژیم ایران، دستیابی این رژیم به سلاح اتمی است. تا کنون جامعه جهانی این موضوع را نپذیرفته است.

سیاست ولی فقیه مبنی بر حرکت در مسیر برد کامل جمهوری اسلامی و سیاست روحانی مبنی بر برد - برد به شرطی می تواند مساله تحریمها را به تدریج برطرف کند که خامنه ای از دستیابی به سلاح اتمی صرف نظر کند. در غیر این صورت تضاد جامعه جهانی با جمهوری اسلامی بازهم تشدید خواهد شد.

جهانشمول بودن حقوق بشر و موضع ارتجاعی حسن روحانی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۶ مهر

چگونگی بر خورد به حقوق بشر و التزام به رعایت آن، یکی از اساسی ترین معیارهای تشخیص دو جبهه ترقی و ارتجاع است. حقوق بشر، حقوقی جهانشمول است که باید شامل حال همه انسانها از هر رنگ، نژاد، ملیت، مذهب، قوم و جنسیت شود. هر اندیشه ای که بخواهد حقوق بشر را منوط به فرهنگ، دین و شرایط جغرافیایی کند، دیدگاهی ارتجاعی است که در عمل به گسترش نابرابریها و بی عدالتیها یاری می رساند.

البته حسن روحانی رئیس دولت یک رژیم دیکتاتوری است. بر همین منظر، از کسی که در بالاترین پستهای حکومتی و در تمامی جنایتهای رژیم شریک بوده نمی توان سخنی غیر از آنچه که در روز دوشنبه ۱۵ مهر در باره حقوق بشر به سفیر هلند گفت، انتظار داشت. حسن روحانی در ملاقات با سفیر هلند بر همکاری خود در نقض حقوق مردم ایران تاکید گذاشت.

حسن روحانی گفت: «همه باید دقت کنیم موضوع حقوق بشر یک مساله سیاسی نشود و به این نکته توجه داشته باشیم که مساله حقوق بشر در هیچ کشوری کامل نیست و نواقصی دارد». کارنامه پور محمدی جنایتکار از جمله وزیران روحانی گوشه ای از «ناکاملی» حقوق بشر مورد نظر روحانی در ایران است که وی آن را «نقص» خطاب کرده است. وی گفت: «البته باید ضمن به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی یکدیگر، اصولی همچون آزادی بیان و تبادل اندیشه ها را مورد احترام قرار دهیم». تکیه بر تفاوت فرهنگی یعنی مشروع دانستن همه سرکوبگریها و نقض حقوق بشر در ایران. حقوق بشر به طور روزمره در شدیدترین و ارتجاعی ترین شکل توسط جمهوری اسلامی که حسن روحانی رئیس دولت آن است نقض می شود. مردم ایران همانند همه مردم جهان خواهان رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند. تاکنون جمهوری اسلامی عهدنامه های بین المللی مربوط به حقوق بشر را به طور سیستماتیک نقض می کند و حتی با همین استدلال حسن روحانی کنوانسیون مربوط به رفع تبعیض در مورد زنان را امضا نکرده است.

جمهوری اسلامی با اندیشه حسن روحانی و تقسیم حقوق بشر به تفاوت فرهنگی جنایتهای بسیار در مورد مردم ایران مرتکب شده است. تاوان فرهنگ ارتجاعی رژیم دیکتاتوری را مردم ایران می پردازند و این موضوعی است که در شرایط فعلی پیش روی تمامی وجدانهای بیدار و فعالان حقوق بشر است که از تمامی نهادهای بین المللی برای فشار بر رژیم ایران جهت آزاد کردن زندانیان سیاسی و رعایت حقوق بشر استفاده کنند.

باند ولی فقیه زیر فشار "نظر سنجی"

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۷ مهر

یک طرح لفظی پیرامون نظر سنجی از جامعه در مورد "رابطه با آمریکا"، باند آقای خامنه ای را به بسیج گسترده برای حذف آن از موضوع سیاست داخلی برانگیخته است. این جدال می تواند نشانه ای از سر باز کردن یک ناهمگونی دیرینه و ریشه دار در ساختار سیاسی - ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، یعنی کشمکش و تصادم نهادهای انتخابی و انتصابی باشد. حجت الاسلام حسن روحانی، زمان کوتاهی پس از بازگشت از نیویورک، در واکنش به انتقادهای و حملات باند رقیب علیه ژستهای دیپلماتیک او و هیات همراهش برای نزدیکی به آمریکا، اعلام داشت که به "دو دستگاه" دستور داده است "برای گرفتن نظر مردم در مورد حرکت دولت در سفر به آمریکا" نظر سنجی کنند. او همچنین روشن کردن "درصد مخالفان" را نیز بخشی از هدف این نظر سنجی خواند.

همانگونه که پیداست، انگیزه آقای روحانی از این اقدام، در منگنه قرار دادن رُقا و ایجاد فضا برای خود با تهدید به وارد کردن ابزار "فشار از پایین" بود. بنابراین، اگر چه او و یا نزدیکانش در مورد "نظر سنجی" به اعلام کلی اکتفا کرده و به جزئیات و زاویه ها عملی آن نپرداختند، اما همین مختصر نیز برای آشفتن باند آقای خامنه ای کافی بود. آنها در یک کارزار سراسری، با تاکید بر "تعیین سیاستهای کلی نظام توسط رهبری"، آقای روحانی را به "خارج شدن از حوزه اختیارات خود" و تلاش برای "مُنزوی کردن رهبری" متهم می سازند. همزمان، مَهره های نظامی - امنیتی باند مزبور تهدید می کنند که "به طور قطع نظرسنجی باعث تشنج در جامعه خواهد شد".

این جبهه گیری سراسیمه و خشم آلود، برآورد باند آقای خامنه ای از میزان پُشتیبانی اندک جامعه از ماجراجوییهای خارجی اش را نمایان می سازد. آنها به این وسیله اعتراف می کنند که آنچه که "سیاستهای کلی نظام" می نامند، فاقد مشروعیت اجتماعی است و بدون قهر دولتی، تاب ایستادگی حتی در یک نظر سنجی تشریفاتی را هم ندارد. با این حال، بی گمان نه آقای روحانی تا مرز نمایش صف بندی جامعه علیه بُنیانهای سیاسی و خطوط استراتژیک "نظام" پیش خواهد رفت و نه هموردان وی بیم دست زدن وی به چنین اقدامی را دارند؛ برآشفتگی آنها بیشتر از علامتی سرچشمه می گیرد که باند رقیب از قصد خود برای گشودن میدان جدال نهادهای انتخابی و انتصابی ارسال کرده است. اجبار "قهرمانانه" ولی فقیه در تن دادن به نامزد باند رقیب در جریان نمایش انتخابات و توجیه آن با "حق الناس"، آخرین خودنمایی آثار شکست پروژه یکدست سازی نخواهد ماند. تازه شدن زخم ناهمگونی ساختاری رژیم ولایت فقیه، نشانه مطمینی از این گمانه است.

قطعهنامه اتحادیه اروپا علیه جنایت در اشرف، شکست یک پروژه

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۰ مهر

قطعهنامه اخیر پارلمان اروپا علیه جنایت ددمنشانه رژیم مالکی با همدستی خامنه ای در کمپ اشرف، در کمترین حالت نشان از شکست یک پروژه مزورانه و جنایتکارانه رژیم دارد. جمهوری اسلامی که اکنون وامانده مشغول "نرمش ذلیلانه" در برابر غرب است، نیاز به تشدید فشار در داخل و نمایش قدرت داشت. از این رو به اعدام، قتل و فشار بر مخالفان خود افزود و در نهایت با قتل عام در کمپ اشرف به این سیاست جنایتکارانه تداوم بخشید.

بیش از یک ماه پیش، در دهم شهریور، ساکنان اشرف با روشی تروریستی مورد هجوم نیروهای مزدور مالکی با همدستی و سناریو نویسی خامنه ای قرار گرفتند. ۵۲ نفر به شکل وحشیانه ای به قتل رسیدند و ۷ نفر مبارز مجاهد به گروگان گرفته شدند.

روز پنجشنبه (۱۸ مهر)، پارلمان اروپا در اجلاس رسمی خود در استراسبورگ - فرانسه حمله به کمپ اشرف توسط نیروهای عراقی را به شدت محکوم کرد. پارلمان اروپا قطعنامه ای را تحت عنوان "خشونت اخیر در عراق" به تصویب رساند که از سوی تمامی گروه های سیاسی در پارلمان اروپا امضا و رایه شده بود. در این قطعنامه همچنین آمده است، ۷ نفر که گمان برده می شود در پایتخت عراق زندانی هستند، فوراً و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. به گفته نماینده عالی اتحادیه اروپا، خانم اشتون، پارلمان اروپا از تلاش هیات کمک رسانی ملل متحد به عراق (یونامی) برای انتقال ۳۰۰۰ تن از ساکنان به خارج از عراق حمایت می کند.

قطعنامه پارلمان اروپا همچنین دولت عراق را که بند نافش به رژیم جمهوری اسلامی بسته شده، در بسیاری از زمینه های دیگر از جمله به دلیل پایمالی حقوق شهروندان خود محکوم کرده است.

اینکه جامعه جهانی همزمان با مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی به مساله حقوق بشر توجه داشته باشد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. جمهوری اسلامی به موازات عقب نشینیهای تاکتیکی خود در برابر طرف حسابهای خارجی اش تلاش می کند در داخل صدای کسانی را که سالها به سیاستهای خانمانسوز آن اعتراض کرده اند، خاموش کند.

ما خواستار این هستیم که در پی صدور قطعنامه هایی که نقض حقوق بشر را مورد انتقاد و سرزنش قرار می دهند، اقدامات عملی و فوری صورت گیرد. در عین حال، ضروری است که مساله حقوق بشر همواره در هر گونه مذاکرات با رژیم جمهوری اسلامی مطرح باشد. رژیمی که ثبات سیاسی خود را از سرکوب بی رحمانه شهروندانش به دست می آورد، هرگز نمی تواند طرف قابل اتکایی در مناسبات با جهان خارج باشد.

"دیپلماسی لبخند" در آزمون عملی ژنو

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۴ مهر

پس از یک دوره ژست و تعارف دیپلماتیک، اکنون دولت جدید جمهوری اسلامی شانس آن را یافته است که ادعاهای خود رو به طرفهای خارجی در مورد "تغییر سیاست هسته ای" و وعده هایش به مردم ایران پیرامون کاستن از تنش هسته ای و فشار تحریمها را به عمل نزدیک سازد.

پیشتر، پایوران ارشد آمریکایی و اروپایی، خوشنودی و امیدواری خود از تغییر لحن مقامهای دولت جدید جمهوری اسلامی را ابراز داشته اند و همزمان تاکید کرده اند که ارزیابی نهایی در این باره را به اقدامهای عملی حاکمان ایران موکول می کنند.

از سوی دیگر، اکثریت قاطع مردم ایران نیز از پایان یافتن بحران دیرپای هسته ای و متوقف شدن سقوط آزاد سطح زیست و کار خود پُشتیبانی کرده و به هر اقدامی که سنگینی هزینه های تحمیل شده ماجراجویی خارجی "نظام" بر دوش آنها را کاهش می دهد، به دیده موافقت می نگرند.

از این زاویه و تا آنجا که به فاکتورهای بیرونی برمی گردد، نمایندگان دولت آقای روحانی در موقعیت بسیار مناسبی برای حل و فصل درگیری هسته ای با آمریکا و اروپا بسر می برند و هرگاه خواست یا توانایی پیشبرد چنین هدفی را داشته باشند، به پیش شرطهای تامین شده مطمینی می توانند تکیه کنند.

نخستین گام واقعی در این راستا، رایه پیشنهادهایی است که اقدامهای مشخص جمهوری اسلامی در راستای شفاف سازی فعالیتهای هسته ای خود و ابهام زدایی از ماهیت آن را در بر بگیرد. این همان مبنایی است که تفاوت رویکرد هسته ای دولت جدید با قبلی را آشکار می سازد و گرنه، آقای احمدی نژاد و همکارانش نیز به گونه پیوسته برای مذاکره اعلام آمادگی می کردند و با جدیتی مشابه، از خواست "حل مساله" سخن می راندند، بدون آنکه عمل مشخصی را پُشتوانه آن سازند. تجربه هشت سال گذشته نشان داد که این راه به کجا ختم می شود.

نشست ژنو را می توان ایستگاهی در کنار دو ریل تصور کرد. از این نقطه می شود بر قطار دیگری نشست، همچنان که می شود به سفر با قطاری که به ناگجآباد می رود، ادامه داد. بنابراین، شاید مهم ترین نتیجه دیدار در ژنو این شناخت باشد که دولت آقای روحانی بلیط کدام قطار را در جیب دارد.

دستاورد مذاکراتی که "با اجازه مردم محرمانه است"

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲۷ مهر

پیرامون نتایج مذاکرات ژنو که به قول آقای ظریف "با اجازه مردم ایران" محرمانه باقی مانده، سخن، خبر و اظهار نظر از سوی افراد یا رسانه های درونی و برونی بسیار است. اگرچه معلوم نیست چگونه از مردم چنین اجازه ای گرفته شده که راضی باشند اطلاعاتی در باره آنچه که تیم هسته ای انجام داده تا به حذف تحریمها بیانجامد، به دست شان نرسد. در هر حال صحت ادعای پیشرفتهای "سازنده و مفید" را می توان از واکنشهای ۶ کشور طرف مذاکره هم دریافت. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه و مذاکره کننده ارشد روسیه، بعد از پایان مذاکرات هسته ای اعلام کرد، هیچ دلیلی برای خوشحالی شتابزده وجود ندارد و مذاکرات می توانست به شکل بهتری پیش رود. او گفت "با توجه به فاصله بسیار زیاد مواضع ایران و گروه ۱+۵" که وی آن را کیلومترها و پیشرفت مذاکرات را نیم متری توصیف کرد، "پیشرفتهای به دست آمده بسیار ناچیز است". ریابکوف علت این امر را اصرار جمهوری اسلامی به لغو تحریمها قبل از اینکه سطح غنی سازی را پایین بیاورد، دانست. این در حالی است که کشورهای غربی تاکید کرده اند تنها در صورتی تحریمها رفع می شود که رژیم سطح غنی سازی اورانیوم را پایین بیاورد و بدون هیچ مانعی به بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه بازرسی از تاسیسات هسته ای خود را بدهد.

جن پساکی، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با اشاره به اعمال تحریمهای بیشتر گفت که دولت اواما هنوز به طور جدی تصمیم نگرفته از کنگره آمریکا بخواهد دست بدان نزنند. وی همچنین افزود: "ما در رابطه با چالشهای موجود در مذاکرات هسته ای با رژیم تهران ساده اندیش نیستیم. ما فلج کننده ترین تحریمهای تاریخ را اعمال کرده ایم که دلیل رسیدن رژیم تهران به نقطه فعلی است و هر اقدامی که انجام دهیم، متناسب با اقدام ایران خواهد بود." یک سخنگوی دولت فرانسه نیز اقدامات اخیر رژیم و "رفتار آشتی جویانه تر آن" در زمینه اتمی را یک پنجره فرصت دانست، ولی تاکید کرد که پاریس اکنون منتظر اقدامات ملموس است و هوشیار باقی خواهد ماند.

همزمان وزیر خارجه انگلیس نیز گفت، رژیم تهران امتیازهایی را در گفتگوهای ژنو ارایه کرده اما هنوز توافقی حاصل نشده است. ویلیام هیگ افزود: "مهم است که ما فضای مثبت ایجاد شده در مذاکرات ژنو را حفظ کنیم، ولی همزمان نباید فراموش کنیم که برنامه هسته ای رژیم تهران همچنان رو به توسعه است. ما امروز در موضعی نیستیم که تغییری در تحریمها بدهیم. تحریمها باید ادامه داشته باشد. تحریمها بخش مهمی از آوردن رژیم تهران به پای میز مذاکره بوده و هرگونه تغییری در وضعیت تحریمها تنها بعد از اقدام عملی رژیم تهران خواهد بود."

با این حساب اگر علت واقعی نگرانی از افشای جزئیات مذاکرات - آنطور که گفته شده - جنجالهایی است که باندهای درون رژیم ممکن است در مخالفت با آن بپا کنند و یا باز به قول آقای ظریف "شیطنتهای برخی" است، باز هم باید رژیم جمهوری اسلامی جهت لغو تحریمها، برای نوشیدن جام زهر هسته ای توسط خامنه ای آمادگی پیدا کند. زیرا، حتی اگر همه موارد "افشا" شده از مذاکره ژنو هم واقعیت داشته باشد، گره کار رژیم با آنها باز نمی شود.

با نگاهی به واکنشهای طرفهای مذاکره کننده رژیم، به نظر می آید تا به حال تنها علامت جدیت رژیم، استفاده از پاورپوینتی بوده باشد که کودکان دبستانی هنگام امتحان پس دادن استفاده می کنند و یا شاید عدم مشاجره در تعیین مکان مذاکرات بعدی!



شهادای فدایی آبان ماه

رفقای فدایی: سیروس سپهری - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی - لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله بهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مهین جهانگیری - محمد قلی جهانگیری - عزیز پور احمدی - علی رضا شفیع - علی بهروزی - محمد قادری - حسین رکنی - احمد پیل افکن - احمد گراوند - علی اصغر ذاکری - سلیمان سلیمانی - فرج الله نیک نژاد - مرتضی فخر طباطبایی - عبدالله فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی - محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُنن - آلمان،
 - ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه
 قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار
 برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 340 23 octo. 2013 / Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org